



مقصد یا مقصود!!!



۱۶ | تشکل ابتر  کار تاثیرگذار | ۲۸

۲۱ | هستی در نیستی  چگونه سطحی نباشیم | ۲۷

۲۹ | دود ازکنده برمیخیزد  زود آزرده خاطر نشویم | ۱۰

۶ | انتهای راه رسالت تشکیلات  آفات تشکیلات در روزهای اخیر | ۲۵

۴ | رشد دسته جمعی نتیجه کار تشکیلاتی  تشکل های دانشجویی زیر تیغ نقد | ۸

فهرست

عنوان	صفحه
سرمقاله	۱
نیروسازی و شاخصه های نیروی انقلاب	۲
رشد دسته جمعی، نتیجه ی کار تشکیلاتی	۴
انتهای راه رسالت تشکیلات	۶
اهمیت و ضرورت کار تشکیلاتی	۷
تشکل های دانشجویی زیر تیغ نقد	۸
زود آورده خاطر نشویم!	۱۰
کار تشکیلاتی در هر کاری رمز موفقیت است	۱۲
گفت و گو	۱۴
تشکل ابتر	۱۶
جمع بعد فردی و اجتماعی و خانوادگی افراد در پیشبرد اهداف تشکیلاتی، بسیار تاثیر گذار است	۱۸
نگاهی بر مخاطب شناسی و چگونگی مدیریت کار تشکیلاتی	۱۹
هستی در نیستی	۲۱
اخلاق در تشکیلات	۲۲
آگاهی میانی اعتقادی	۲۴
آفات تشکیلات در روزهای اخیر	۲۵
مخاطب شناسی و مدیریت کار تشکیلاتی	۲۶
چگونه سطحی نباشیم؟	۲۷
کار تاثیر گذار	۲۸
دود از کنده بر می خیزد...	۲۹

صاحب امتیاز: اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

معاون نشریات: یونس فرزین فرد

مدیر مسئول: سید محمد کاظمی نژاد

سر دبیر: فاطمه کاظمی

هیئت تحریریه: امیررضا قره شهرک، فاطمه آنالویی، حانیه مرادیفر، محمدحسین طارمی، سید محمد کاظمی نژاد، فاطمه کاظمی، محمد مهدی احمدی، معصومه محمدزاده، حمیدرضا معروفخانی، یونس فرزین فرد

هیئت نویسندگان: محمد حسین طارمی، حدیث مرتضوی فرد، رحیمه آذر نیوشه، نگین جباری، منصوره کهوری پور، فاطمه حدادی، نرگس امامی راد، علی رحیمیان، نرجس دائمی، فاطمه غلام رضایی، نرگس مشهدیان، فاطمه ابونئی سریزدی، محمد حسین لطیفی، الهه آقائی، حانیه مرادیفر، عمادالدین صفائی، فاطمه پاشائی خجسته، فاطمه اسفندانی

ویراستاران: حانیه مرادیفر، فاطمه کاظمی، یونس فرزین فرد

صفحه آرا و مدیر هنری: علی ضیایی جزی

پست الکترونیکی: h.d@jadnews.ir

مهارت نوسان
پشت ۱۴ سال
رسدلو



www.jadnews.ir

@jadnews_ir

@jadnews

@jad.news.ir



روز دانشجو، روز امید به آینده است

سرمقاله

محمد حسین طارمی

عضو کمیسیون معاونت نشریات اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

امروز، دانشجویان ایران در شرایطی قرار دارند که بسیار متفاوت از شرایط دانشجویان در زمان انقلاب اسلامی است. امروز، ایران با چالش‌های متعددی روبرو است. چالش‌هایی مانند فقر، بیکاری، نابرابری، و تضییع حقوق شهروندی.

دانشجو مؤذن جامعه است. جمله معروف شهید بهشتی که دانشجو مؤذن جامعه است، اهمیت دانشجو بودن را بیان می‌کند. دانشجو باید در پی کسب دانش باشد و بخش اعظم این دانش مربوط به زمینه‌های علمی می‌شود که این مهم از اهمیت والایی برخوردار است؛ البته در کنار آن باید به این فهم رسیده باشیم که دانشگاه محلی برای فعالیت‌های اجتماعی، رشد کردن و آماده شدن برای ورود به جامعه است. شکل‌های دانشجویی که از دهه ۲۰ فعال شدند، محدود و انحصاری بودند و به مرور زمان به گستردگی امروز رسیدند. فعالیت شکل‌ها ادامه پیدا کرد تا در جریان انقلاب اسلامی پشت امام (ره) و مردم ایستادند. پس از انقلاب هم برخی شکل‌ها از میان رفتند و برخی دیگر به قوت باقی ماندند.

در پایان باید توجه کنید که شما در دانشگاه‌ها تا فاصله تصور و واقعیت را کوتاه کنید و این محقق نمی‌شود مگر با جدی گرفتن علاقه و دغدغه‌هایی که به خاطرش پا به دانشگاه گذاشتید.

روز دانشجو، روز تجلیل از تلاش و کوشش دانشجویان عزیزی است که با عشق و علاقه به علم و دانش، آینده‌سازان جامعه هستند. دانشجویان سرمایه‌های اصلی کشور هستند و نقش مهمی در توسعه و پیشرفت کشور ایفا می‌کنند. با تلاش و کوشش خود، آینده‌سازان جامعه هستند. آن‌ها با کسب علم و دانش، می‌توانند در زمینه‌های مختلف، به پیشرفت و توسعه کشور کمک کنند. دانشجویان، با حضور خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، می‌توانند نقش مهمی در بهبود شرایط جامعه ایفا کنند.

دانشجو، علاوه بر اینکه باید در تحصیل خود کوشا باشد، باید مسئولیت‌پذیر و متعهد نیز باشد. دانشجویان باید در برابر جامعه و کشور خود مسئول باشند و با تلاش و کوشش خود، به پیشرفت و توسعه کشور کمک کنند.

دانشجویان باید با آگاهی از حقوق و وظایف خود، در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشند و نقش مهمی در بهبود شرایط جامعه ایفا کنند. دانشجویان باید با تعهد و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی، الگوی مناسبی برای جامعه باشند.

روز دانشجو، روز امید است. امید به آینده‌ای بهتر، امید به آزادی

و استقلال، امید به عدالت و برابری. دانشجویان، پیشگامان جنبش‌های اجتماعی و سیاسی از گذشته تا به امروز در ایران بوده‌اند. آن‌ها همیشه در خط مقدم مبارزه برای آزادی و عدالت بوده‌اند.



نیروسازی و شاخصه‌های نیروی انقلاب

جذب حداکثری یا نخبه‌سازی

حَدِيث مَرْتَضَوِي قُر

دبیر واحد خواهران اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

یقیناً یکی از اهداف خداوند از آفرینش آدمی، خلافت انسان کامل است. هرچند سلب خلافت از این انسان کامل مدت‌هاست که مشهود است و البته مایه تأسف، اما انقلاب اسلامی ایران از نخستین قدم‌های عظیم و مبارک برای رسیدن به این هدف والا و متعالی است، و اینجا است که عنوان پیوند انقلاب اسلامی و مهدویت مطرح می‌شود و پیرو آن الباقی مسائل را می‌توان در راستای آن تعریف و دنبال کرد.

در ارتباط با این موضوع که چرا و چگونه انقلاب را از اقدام وصال به ظهور می‌دانیم چندین مطلب قابل بیان است. اولاً فلسفه انقلاب اسلامی. واژه اسلامی که به انقلاب افزوده شده، درون خود فلسفه این انقلاب را به همراه دارد. اساساً انقلاب اسلامی با هدف قیام‌الله و برپایی حکومت الهی و نفی حکومت طاغوت برپا شد و یقیناً از عوامل برجسته پیروزی آن نیز عنایت خداوند و حضرت ولی‌عصر(عج) بوده است. به علاوه نوع نگاه رهبر این انقلاب و ملت برپادارنده آن نیز در راستای همین دیدگاه و نظر می‌باشد.

برای ظهور نیز طبیعتاً نیاز است زمینه‌ای از جنس آمادگی حکومت اسلامی و مردم صورت گیرد که این‌ها جز در سایه‌ی تاسیس

حکومت و نظام اسلامی امکان بروز صریح و با کیفیت نداشت. این موارد و موارد دیگری از این قبیل که مجال بیان شفاف‌تر آنها نیست، تکه‌هایی از پازلی هستند که ما را به گزاره «جمهوری اسلامی ایران مقدمه ظهور حضرت حجت و تشکیل حکومت و نظم نوین اسلامی جهانی است» می‌رساند.

البته که این رساندن، باری ثقیل و سنگین روی دوش این ملت مخصوصاً رهبری، دولتمردان و جوانان نهاده است. کلیت نظام فارغ از بحث تدوین قوانین اسلامی و اجرای آن به دنبال تربیت انسان‌هایی است که بتوانند به عنوان سربازان حضرت حجت ایفای نقش کنند و بستر مناسبی برای رشد و پرورش آنها فراهم سازد. یکی از این بسترها که به برکت انقلاب ایجاد شد و ترقی پیدا کرد،

تشکل‌های دانشجویی هستند. با توجه به مقدمه مذکور می‌توان صراحتاً اذعان داشت که جوانان در تشکل‌های دانشجویی از فراهم‌آوردن‌گان زمینه ظهور حضرت و قریب شدن به هدف نهایی و مقدس این انقلاب هستند و، واکنش‌ها، امور اجرایی و دیگرسازی آنها مستقیماً در این موضوع نقش دارد.

شده به هدف نهایی و مقدس این انقلاب هستند و، واکنش‌ها، امور اجرایی و دیگرسازی آنها مستقیماً در این موضوع نقش دارد.

لکن ماهیت تشکل‌های دانشجویی همان‌طور که از اسمش هم پیدا است، تشکیلاتی بودن است. تشکیلات در تفکر انقلاب اسلامی، ناظر به همان اهداف مذکور، مقدس است. در واقع تا شیعیان تشکیلاتی بودن را فراموش نکنند، نمی‌توانند در حکومت حضرت نیز نقش بسزایی داشته باشند. تشکیلات محل و دگرسازی است و همین است که بحث تربیت نیرو، هم به عنوان بخشی از مطالعات تشکیلاتی و هم به عنوان بازوی کار و تجربه تشکیلاتی بسیار قابل‌اهتمام، مورد توجه و زمینه‌ی تامل و تعمق جوانان مؤمن انقلابی این مرز و بوم می‌باشد.

شایان ذکر است طبیعتاً جذب و پرورش نیرو در تشکل، توأمان هستند و هر یک در جایگاه خود، شایسته‌ی توجه، تمرکز و اهتمام جدی می‌باشند.

روند صحبت ما نیز من‌باب همین پرورش و تربیت نیرو است. خروجی‌ها در تشکیلات باید با زمان ورودی خویش فرق کرده باشند. تشکیلات باید محل

انسان‌سازی باشد. ورودی در طی حضورش در تشکل تغییرهایی باید داشته باشد تا در نهایت تبدیل به همان انسان مورد نظر رهبری، یعنی جوان

اساساً انقلاب اسلامی با هدف قیام‌الله و برپایی حکومت الهی و نفی حکومت طاغوت برپا شد و یقیناً از عوامل برجسته پیروزی آن نیز عنایت خداوند و حضرت ولی‌عصر(عج) بوده است. به علاوه نوع نگاه رهبر این انقلاب و ملت برپادارنده آن نیز در راستای همین دیدگاه و نظر می‌باشد.

جوانان در تشکل‌های دانشجویی از فراهم‌آوردن‌گان زمینه ظهور حضرت و قریب شدن به هدف نهایی و مقدس این انقلاب هستند و، واکنش‌ها، امور اجرایی و دیگرسازی آنها مستقیماً در این موضوع نقش دارد.

تشکیلات محل خودسازی و دگرسازی است و همین است که بحث تربیت نیرو، هم به عنوان بخشی از مطالعات تشکیلاتی و هم به عنوان بازوی کار و تجربه تشکیلاتی بسیار قابل اهتمام، مورد توجه و زمینه‌ی تامل و تعمق جوانان مؤمن انقلابی این مرز و بوم می‌باشد.

مومن تراز انقلاب اسلامی و یا نزدیک به آن شود. با این تبیین دو سوال ذهن ما را به خود مشغول می‌کند، اول اینکه تشکیلات چگونه می‌تواند فرایندی را طراحی کند که در طی حضور در آن به فرد مورد هدف که قرار است سرباز حضرت حجت باشد و در این

روزها که لقب افسر جوان جنگ نرم به او داده شده، برسد یا نزدیک به آن گردد؟ و مسئله‌ی دوم اینکه اصلاً جوان مومن تراز انقلاب اسلامی را به چه کسی می‌گوئیم و با کدام ویژگی‌ها؟ ابتدائاً سراغ سوال دوم برویم. در مورد این موضوع بهترین راه، مراجعه به بیانات مقام معظم رهبری است. خصوصیات از قبیل ایمان، امیدواری، دوستدار انقلاب و نظام اسلامی و معتقد به آرمان‌های آن، ثبات قدم، حفظ ارتباط خود با امام، با بصیرت، آشنا با تاریخ معاصر، دشمن

شناس، دنبال کسب علم و دانش بودن، امر به معروف و نهی از منکر، مطالبه‌گر، با اخلاص، معتقد به کار تشکیلاتی، اهل قرآن، میانه‌رو، عدالت‌خواه و... مواردی هستند که در کلام رهبری به عنوان ویژگی‌های جوان مومن انقلابی ذکر شده‌اند. بیان این نکته نیز خالی از لطف نیست که صبر در راه این تربیت بسیار لازم است. زیرا کار تربیتی و پرورشی وقت زیادی را از آن خود می‌کند و به تدریج صورت می‌گیرد.

حال که ویژگی‌ها را شناختیم نوبت به مسئله اول می‌رسد. بین ورودی و خروجی تشکیلات که فردی است با ویژگی‌های مذکور، فرایندی طی می‌شود که آن فرایند مشتمل بر راه‌های روشن و هادی‌بخش است. در ادامه به ذکر چند راه بسنده می‌کنیم.

اولین، مهم‌ترین و سریع‌ترین راه، معرفتی، معنوی، اخلاقی و بصیرتی کسانی است که در راس تشکیلات قرار دارند. آنها برای اعضاء، الگو و مرکز توجه هستند. اعمال و رفتارشان روی سایر اعضاء موثر است و با ارتباط بیشتر، رفاقت و ازدیاد صمیمیت نیز به تدریج

در اعضاء نهادینه می‌گردد. در نتیجه تقویت اخلاص و معنویت در راس تشکیلات از واجبات و ملزومات مهم تشکیلاتی است. وقتی اخلاص و معنویت باشد، تاثیر چندین برابر می‌گردد و این تاثر سرانجام وصال حقیقی‌تر کار

به خدا است. اینجاست که «علی اجتماع من القلوب» تشکیلاتی مطرح می‌شود. وقتی دلی‌هایی در یک تشکیلات برای خدا و در راه او و ولی او به هم نزدیک باشند، خدا به آن جمع نظر و

توجه ویژه خواهد داشت. راه دوم همان کارهای معمول در تشکیلات است. مثل کارگاه‌ها، جلسات معرفتی بصیرتی، مباحثات، کارگاه‌ها، دوره‌ها، مهارت‌محور و ...

یکی از اساتید جمله‌ی زیبایی داشت، می‌گفت انسان‌ها وقتی به سمت ما می‌آیند که سودی برای خود در ما و تشکیلات ببینند. و یکی از این سودهایی که فرد در تشکیلات ناظر بر آن است، همین مهارت‌ها و کارگاه‌های متنوع است. باید نیاز دانشجویان را شناسایی کرد و متناسب با نیازهای آنان، تدوین برنامه را پیگیر شد. به نظر می‌رسد صدر این نیازها، نیاز به خودشناسی است و پس از آن حل برخی مشکلات روحی و روانی یا خانوادگی قرار می‌گیرد.

تشکیلات باید محل انسان‌ساز باشد.

خصوصیاتی از قبیل ایمان، امیدواری، دوستدار انقلاب و نظام اسلامی و معتقد به آرمان‌های آن، ثبات قدم، حفظ ارتباط خود با امام، با بصیرت، آشنا با تاریخ معاصر، دشمن شناس، دنبال کسب علم و دانش بودن، امر به معروف و نهی از منکر، مطالبه‌گر، با اخلاص، معتقد به کار تشکیلاتی، اهل قرآن، میانه‌رو، عدالت‌خواه و

کسب تجربه، از طریق دریافت مسئولیت و پیگیری آن از مواردی است که بسیار در رشد و پرورش نیرو، کارا و گیرا است.

می‌گفت انسان‌ها وقتی به سمت ما می‌آیند که سودی برای خود در ما و تشکیلات ببینند. و یکی از این سودهایی که فرد در تشکیلات ناظر بر آن است، همین مهارت‌ها و کارگاه‌های متنوع است. باید نیاز دانشجویان را شناسایی کرد و متناسب با نیازهای آنان، تدوین برنامه را پیگیر شد.

این نکته نیز لایق توجه است که ما در تشکیلات قبل از آنکه به نیرو با چشم عضو اجرایی خودمان بنگریم باید بدانیم که او اولاً یک انسان است. کسی که تعالی روح، ارزش والای خلقت اوست فلذا ما باید نگاهی فراتر از نگاه عضو دفتر به افراد داشته باشیم.

راه دیگر، سپردن مسئولیت‌هایی به اعضاء است. فارغ از یادگیری کار تشکیلاتی و فراگرفتن معارف مختلف، کسب تجربه، از طریق دریافت مسئولیت و پیگیری آن از مواردی است که بسیار در رشد و پرورش نیرو، کارا و گیرا است. وقتی مسئولیتی به فرد سپرده می‌شود غیر از ایجاد اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری، منجر می‌شود فرد خودش را عضوی مورد توجه و نافع در تشکیلات ببیند و تجربیاتی به دست آورد که در فرایند رشد تشکیلاتی او سودبخش خواهد بود.

این موارد تنها سه راه از راه‌های فرایند مهم پرورش نیرو در تشکیلات هستند. علی‌ای حال برای فهم بهتر این فرایند و نگاشتن آن نیازمند مشورت مداوم، استفاده از تجارب دیگران خصوصاً ادوار، تامل و تفکر، مطالعه با دقت و ظرافت بیانات رهبری و در نهایت یادگیری معارف مرتبط با موضوعمان هستیم.

ان شاءالله شاخصه‌های نیروی جوان مومن انقلابی را اول از همه در خود ایجاد کرده و بعد از آن بتوانیم در ایجاد و تقویت آن در دیگران موثر و کارآمد باشیم. حدیث «الناس معادن کمعادن الذهب والفضة» نیز به نوبه‌ی خود از مفاهیم تشکیلاتی است و توجه به این معادن طلا، نقره و پرورش آنها در راه طلایی شدن برای خدا، دین خدا و ایجاد محیط تربیتی مناسب، امروزه از وظایف مهم ما است که سرمایه‌های انقلاب، آینده‌ی نظام اسلامی و خلافت انسان کامل در دستان همین انسان‌هاست.



رشد دسته جمعی، نتیجه کار تشکیلاتی

اصلا قوای جامعه بسته به کار تشکیلاتی و تربیت نیروی است که در قالب تیم در تشکیلات رشد می‌کنند.

منصوره کهوری پور

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

تشکیلات وسیله‌ای برای خودسازی

تشکل یعنی مجموعه‌ای از افراد که بر اساس آرمان، ایمان، عقیده و نقطه نظرهای مشترک در یک جا گرد هم می‌آیند تا جماعت شوند، تا بتوانند زمینه را برای خودسازی فردی، اخلاق کار تیمی و برای رشد استعدادها و شناخت و تربیت افراد و تهیه برنامه‌ها و مسئولیت‌پذیری را آسان‌تر می‌کنند، فراهم کنند.

بنابراین تشکیلات وسیله‌ای است برای بهتر انجام دادن کارهای تیمی و خودسازی فردی، آدم‌هایی که غالباً دوست دارند به صورت انفرادی کار کنند، نمی‌توان انتظار یک نتیجه عالی از کارهای آن‌ها داشت، زیرا به زحمت می‌شود از مجموعه‌هایی که کار انفرادی بر تیمی ترجیح می‌دهند، یک مجموعه فعال و منسجم تشکیلاتی ساخت، رشد اخلاق دسته جمعی خود از ارزش‌های تشکیلات است.

امتیاز بزرگ و منحصر به فرد اسلام این است که می‌خواهد با حفظ آزادی‌های انسان، انسان را بسازد. بر این اساس ما از تشکیلاتی صحبت می‌کنیم که هدف آن این است که افراد آن مجموعه را هم‌سو کند نه این که انسان را قالبی بسازد.

صدها راه پر پیچ و خم در این مسیر وجود دارد. اگر می‌خواهیم به سلامت از مسیر عبور کنیم و به قله مورد نظر برسیم، اولاً باید این مسیر

را خوب بشناسیم، ثانیاً باید توانایی را داشته باشیم تا از این مسیر پر پیچ و خم عبور کنیم، و این سختی‌هایی که در این مسیر است تمام شدنی نیست، همان‌طور که تا لحظه مرگ انسان سختی و بلا وجود دارد، پس همه تشکیلات دشواری خود را دارد نباید ناامید شد و در مسیر توقف کرد.

اما در عصری که یکی از دغدغه‌ها و صد البته راه حل‌های پیش روی مشکلات و دست اندازی‌های انقلاب اسلامی، گرایش بیشتر جوانان و سپردن مسوولیت‌ها و امور خرد و کلان به نیروهایی که دارای انرژی فراوان و از متن همین انقلاب و اسلام مطرح می‌شود، بهترین الگو برای بهره‌مندی از این نیروی جوان خلاق، جوانانی که برای ورود به عرصه‌های مدیریتی، اداری، اجرایی، کشور نیاز به کسب تجربه، آموزش، شناخت مسیرهای درست و غلط و آگاهی از تجربه‌های گذشتگان دارند تا با مهارت و توانایی بیشتری در این مسیر گام بردارند. تشکیلات الگو قرار دادن شخصیت‌های بزرگ در حوزه تشکیلات است.

امثال شهید دکتر بهشتی، یکی از بزرگ‌ترین ستون‌های اتکای انقلاب را در ترور ناجوانمردانه منافقین کوردل از دست دادیم، قطعاً مطالعه و بررسی روش پیاده شده توسط این یار امام و رهبری در حوزه تشکیلات را می‌توان به عنوان یکی از دقیق‌ترین و البته

مثمرترین روش برای کادرسازی و تقویت بدنه مدیریتی و اجرایی کشور در نظر گرفت.

گناه و عقاب مضاعف در تشکیلات

هر یک از ما وظیفه داریم که آن ضعف‌های شخصی خود را سخت مراقبت کنیم. یک نفر تا بیرون یک تشکیلات است، ضعف شخصی‌اش، ضعف شخصی است. وقتی وارد تشکیلات می‌شود، ضعف شخصی‌اش همراه با یک نوع امکان سرایت و سوار بر یک مرکب تیزپا و تندرو است. در تشکیلات گسترش ضعف‌ها ممکن است خطرناک‌تر و شدیدتر باشد و به همین دلیل مراقبت از ضعف‌های شخصی افراد لازم است. سوءظن‌ها، بدگمانی‌ها، بد تفسیر کردن‌ها، این‌ها همه از چنین ضعف‌هایی هستند و باید خیلی مراقبت کنیم.

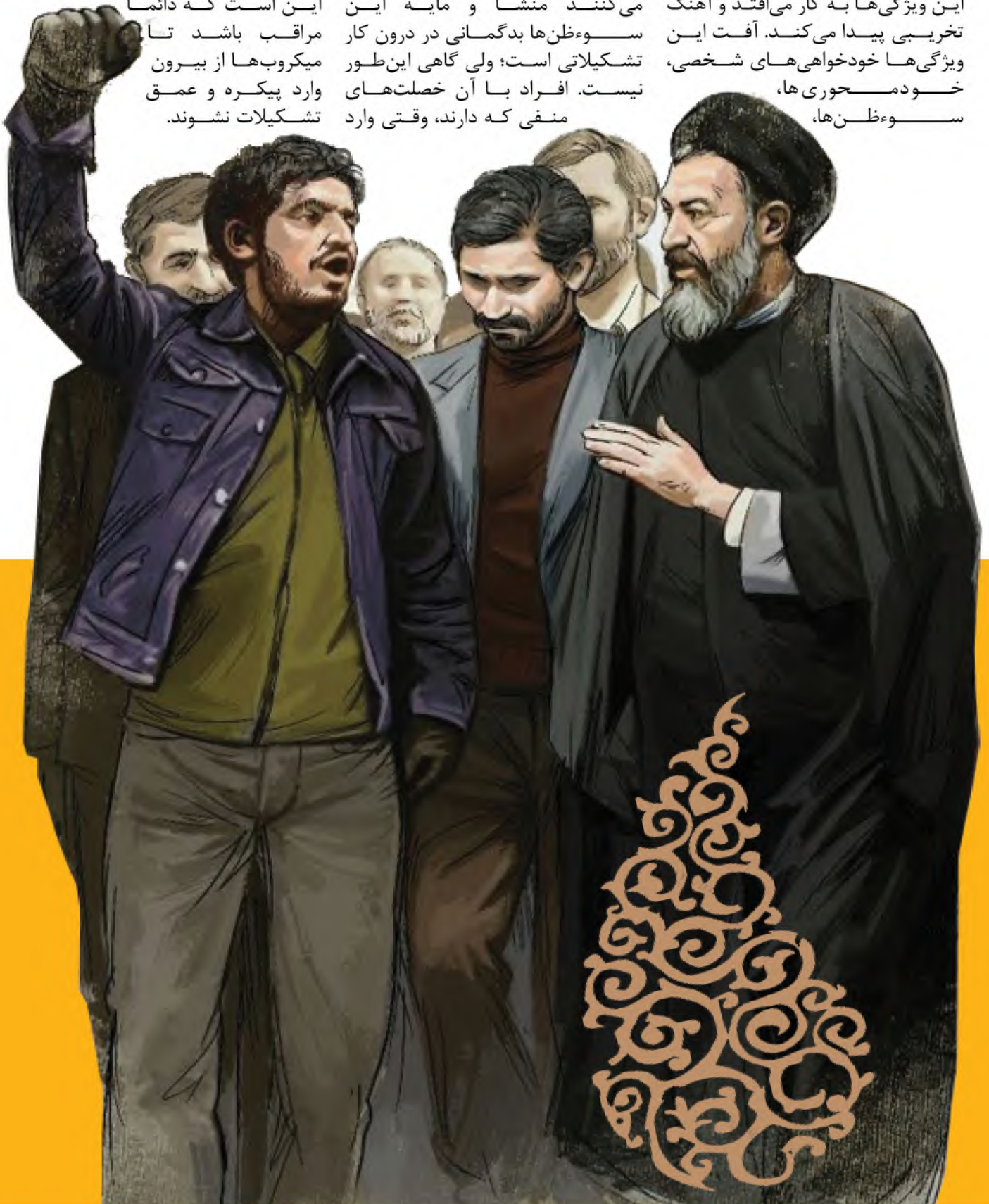
برای این که این ضعف‌ها تا ضعف شخصی است، یک گناه است؛ ولی وقتی در یک جمع بود، گناه مضاعف است و عقابش هم مضاعف است. هم عقاب این دنیایش مضاعف است و هم عقاب آن دنیایش؛ چراکه نتیجه زحمات فراوان انسان‌های تلاشگر در راه خدا با چنین ضعف‌هایی به هدر می‌رود و حبط و ضایع می‌شود و تلاش‌های انسان در آن دنیا هم به هدر می‌رود.

مراقبت از ورود میکروب‌ها از بیرون به تشکیلات

مکرر دیده‌ام که خصلت‌های بیرونی بعضی از ما در جهت مخالف این ویژگی‌ها به کار می‌افتد و آهنگ تخریبی پیدا می‌کند. آفت این ویژگی‌ها خودخواهی‌های شخصی، خودمحوری‌ها، سوءظن‌ها،

بدگمانی‌های بی جا نسبت به یکدیگر و نسبت به هر حرکت و نسبت به هر کار است و گاهی می‌شود برادرها یا خواهرها فکر می‌کنند منشأ و مایه این سوءظن‌ها بدگمانی در درون کار تشکیلاتی است؛ ولی گاهی این‌طور نیست. افراد با آن خصلت‌های منفی که دارند، وقتی وارد

یک تشکیلات می‌شوند، در حقیقت با خودشان این میکروب‌ها را وارد تشکیلات می‌کنند. به همین جهت است که یکی از واجبات تشکیلات این است که دائماً مراقب باشد تا میکروب‌ها از بیرون وارد پیکره و عمق تشکیلات نشوند.



انتهای راه رسالت تشکیلات

رسالت، هدف و وظیفه ای است که انسان بنا به موقعیت و گروهی که در آن قرار می گیرد، برعهده دارد.

رحیمه آذرنیوشه

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

می‌دهند. به عبارت دیگر تشکیلات محدود به شخصی نیست و هر آنچه که کسب می شود برای همه است. هدف نهایی یک تشکل تبعیت ولایی است. یعنی تصمیم‌گیری نهایی با رهبر است. رهبری که مرجع است؛ البته تذکر دلسوزانه به امام یا انتقاد از تصمیم امام در تربیت اسلامی است. اما زمان فتوا که می‌رسد، فتوا با مرجع است.

تائیری که آیات قرآنی بر جلسات دارند غافل بود، آیات و احادیث هستند که روح بخش جلسات اند. نکته حائز اهمیت این است که اعضا نباید به دلیل حضور در تشکیلات به خود مغرور شوند، ورا که غرور ضعیفی است که مانع تکامل و خداجویی فرد می شود. باید عنان و مهار خود را حفظ کرد تا بتوان از سفره گسترده خدا بهره جست؛ جمع بودن مبنی برحق بودن نیست. همان‌طور که تنها بودن مبنی بر باطل بودن نیست. مهم هدفی است

دست خدا همراه جماعت است، این برداشت از نهج‌البلاغه تنها در زمره اعتقادات باقی نمانده، بلکه میدان عملی شده برای افرادی که آرمان مشترک، باور مشترک و ایمان مشترک دارند و گرد هم می‌آیند تا برای رسیدن به آرمان‌هایشان تلاش کنند. بله تشکیلات، تشکیلاتی که به گفته رهبر معظم، پاسخ‌گوینده‌ای در برابر تلاش‌های دشمن برای استکبار است. به‌راستی رسالت تشکیلاتی که این چنین موثر است در زمینه‌های مادی و

معنوی جوامع چیست؟

جوانانی که زبان صدق و عدل بوده و درهریک از عرصه‌های مختلف کشور ثابت قدم هستند باید بدانند که این عدالت و صداقت ابتدا باید از درون خودشان سر چشمه بگیرد، باید ظرفیت انتقاد از یکدیگر را داشته باشند و جلساتی را در این راستا تشکیل دهند.

ملتی که زمانی رهبرانی همچون شهید بهشتی و شهید مطهری و خود امام خمینی (ره) داشته، حال دچار چه فعل و انفعالاتی شده که افرادی همچون علی کریمی بی سواد و حمید فرخ نژاد فرصت طلب به رهبری این ملت طمع کرده‌اند؟

که صرف خدایی بودن می‌شود باید خویشتن‌دار بود و در موضع یک مسلمان بنده عمل کرد؛ هر آنچه که یک تشکیلات برای میسر بودن نیاز دارد مرد عمل بودن اعضاست، ایده‌ای که عمل نشود هیچ سودی ندارد. کسی که عضو

تشکل است همیشه آگاه و فعال در عرصه عمل است نه سهل‌انگار، این ویژگی با تعهدی که وی به عقیده خود داده سنخیتی ندارد؛ رفتاری که اعضای یک تشکل با یکدیگر دارند فراتر از رفتار رئیس و مرئوسی است و در عین محدوده‌ای که برای هم مشخص کرده‌اند رفیق بوده و هم‌دیگر را یاری

یک تشکل باید استوار در موضع خود باشد و در عین حال دین را تحقق بخشد. کسانی که محقق دین هستند خشم و حبشان در راه خدا است، یعنی یاد خدا آن قدر در دل‌شان زنده است که مصون از لغزش‌ها هستند و نور امر به معروف و نهی از منکر را در محافل‌شان می‌تابانند؛ البته در این میان نباید از



اهمیت و ضرورت کار تشکیلاتی

کارهای بزرگ با تشکیلات انجام شدنی است.

فاطمه حدادی

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

که به اهداف، آرمان‌ها، عقاید و باورهای دانشجویی خط مشی داده و به او کمک می‌کند تا از مسیری دشوار به سادگی همراه با توکل و اجماع شدن با دیگر هم‌نوعان خود عبور کند و بتواند در عرصه اجتماع کارهایی بزرگ برای این کشور را رقم‌بزند.

هویت و نقش‌آفرینی تشکلهای دانشجویی یکی از موضوعات مهم دیگری است که به اختصار به آن می‌پردازیم، تشکلهای اسلامی دانشجویان اصلی‌ترین شاخه فعالیت‌های دانشجویی به شمار می‌آید، مقام معظم رهبری بارها از این نقش اساسی یاد کرده و به تحلیل و تبیین حرمت آن پرداخته‌اند و از منظرها و زاویه‌های مختلف بر ضرورت استمرار فعالیت تشکلهای اسلامی تاکید داشته‌اند. یکی از مواردی که همواره مورد توجه مقام معظم رهبری بوده، بحث تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی دانشجویان در بطن جامعه است. در همین راستا تشکلهای دانشجویی به عنوان حلقه میانی بین مردم و مسئولین در تبیین مسائل نقش مهمی را ایفا خواهند کرد. تشکلهای دانشجویی به عنوان حلقه میانی باید شناخت و تمرکز کافی بر مسائل جامعه و مردم داشته‌باشند و به عنوان یک پل ارتباطی کمک موثری به پیش‌برد اهداف و در راستای گام دوم انقلاب اسلامی بردارند، بسترهایی همچون تشکلهای اسلامی باعث متحد شدن مودنان جامعه در راستای رسالت خود خواهند شد. ان شاءالله.

انجام شدنی نیست، به‌ویژه در روزگاری که روابط جمعی رو به فزونی است و کارها تمرکز و توسعه فراوان پیدا می‌کند.

اگر به گذشته نگاه کنیم تشکیلات، شرط موفقیت انقلاب بود، ما از همان موقع این تجربه را اندوختیم که این نهضت و انقلاب با حضور همگانی مردم و عوام به سمت در هم شکستن نیروی دشمن جلو می‌رود و احیاناً وقتی از رهبری واحد آگاه شجاع قاطع برخوردار باشد، به پیروزی‌های ارزنده‌ای هم دست می‌یابد و می‌رسد. اما نگاه‌داشتن این پیروزی در خط اصیل مبارزه، به‌خصوص پس از پیروز شدن و مسئولیت‌ها را بر عهده گرفتن، شرطش این است که نیروی سازمان یافته و متشکل، دارای مواضع مشخص و روشن و خطی آینده‌نگر و برنامه‌هایی متناسب با نیازها، مسئولیت را بر عهده بگیرد و این نیروی متشکل، نیرویی باشد متکی به همان مردمی که مبارزه کردند.

بنابراین داشتن تشکیلات سیاسی-اجتماعی، دارای فرهنگ اصیل انقلاب، مورد اعتماد مردم و برخوردار از پایگاه توده‌ای و مردمی شرط موفقیت در تداوم یک مبارزه و انقلاب است. این تجربه‌ای بود که ما در بررسی حوادث همین آب و خاک و همین مردم بدست آوردیم، به همین دلیل ما به لزوم ایجاد نوعی تشکیلات اسلامی سیاسی فعال دانشجویی در فضای دانشگاه پی می‌بریم. هویت و نقش‌آفرینی تشکلهای دانشجویی یکی از مهم‌ترین عنوان‌هاست. نقش‌آفرینی

«یدالله مع الجماعه» یعنی کار دسته جمعی و تشکیلاتی که در کلام مولا امیرالمومنین (ع) جلوه گر شده است. ما باید بدانیم هر کار دیگری هم در این دنیا بخواهیم بکنیم باید جمعی باشد. پس قبل از هر چیز و در هر میدان، اگر ما شیوه کار جمعی را زیاد و به آن عادت نکنیم نه تنها ضرر نکرده ایم، بلکه نفع فراوان هم برده ایم. دست خدا پشتیبان جمعیت‌ها و مردمی است که با یکدیگر در یک صف باشند، خداوند نه تنها مردمی را که در راه دین صفی محکم، در راه جنگ و جهاد در راه خدا به وجود می‌آوردند دوست دارد: «ان الله يحب الذین یقاتلون عی سبیه صفا کانهم بنیان مرصوص» بلکه مردمی را که به جماعت نماز می‌گزارند، باجماعت حج می‌گزارند، باجماعت سفر می‌کنند و باجماعت زندگی می‌کنند، ضیافت و مهمانی می‌کنند و باجماعت می‌کوشند را دوست دارد. کوششی از هر قبیل! وعده‌ی خدا این است. پیروزی از آن کسانی است که بصورت جمعی کار کنند. «ید» یعنی دست، ید الله یعنی دست خدا.

ما که به خدای دست و پا دار معتقد نیستیم. «دست» نشانه قدرت خداست، در اصطلاح معارف اسلامی هم دست یعنی قدرت خدا، قدرت بی پایان خدا باجماعت است. بی شک تجمع بر محور هدف‌های مشترک باعث تحقق اهداف ارزنده‌ای خواهد شد. ما برای اینکه بتوانیم کارهای بزرگی انجام دهیم باید متشکل باشیم. بی شک کارایی نیروها، وقتی به هم پیوسته گردد بیشتر خواهد بود؛ چه بسیار کارهای بزرگ که با نیروهای فردی



تشکل‌های دانشجویی زیر تیغ نقد

متأسفانه برخی تشکل‌ها سریع و دقیق‌ترین واکنش را، برقراری دوره آموزشی می‌دانند که البته باید گفت سهل‌الوصل‌ترین کار هم همین است و راهکاری که ریشه‌اش در «ما می‌دانیم و دیگران نمی‌دانند» دارد.

محمدحسین طارمی

عضو کمیسیون معاونت نشریات اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

سیاسی دانشجویان در دانشگاه است. تشکل‌های دانشجویی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و رفاهی حضوری فعال دارند.

جمله معروف شهید بهشتی که دانشجویان مؤذن جامعه است، اهمیت دانشجوی بودن را بیان می‌کند. دانشجوی باید در پی کسب دانش باشد و بخش اعظم این دانش مربوط به زمینه‌های علمی می‌شود که این مهم از اهمیت والایی برخوردار است؛ البته در کنار آن باید به این فهم رسیده باشیم که دانشگاه محلی برای فعالیت‌های اجتماعی، رشد کردن و آماده شدن برای ورود به

جامعه است. تشکل‌های دانشجویی که از دهه ۲۰ فعال شدند، محدود و انحصاری بودند و به مرور زمان به گستردگی امروز رسیدند. فعالیت تشکل‌ها ادامه پیدا کرد تا در جریان انقلاب اسلامی پشت امام (ره) و مردم ایستادند. پس از انقلاب هم برخی تشکل‌ها از میان رفتند و برخی دیگر به قوت باقی ماندند. در اصل وظیفه تشکل ایجاد یک پایگاه برای رشد فرهنگی و

دانشگاه پلی برای ورود به دنیای واقعی

در دوره دانشجویی آزادی عمل و فرصت بیشتری دارید. شما به‌یکباره مدیر زمان و اموال و بحران‌هایتان می‌شوید و باید

تصمیم بگیرید خرج کنید و با فصلشان کنید، اما عنوان کسی که در کار دنیای واقعی و نیاز دارید تا واقعی از محیط در ارتباط با رشته

حضور در تشکل‌های دانشجویی این فرصت را به شما می‌دهد تا زمان، اموال و بحران‌های یک مجموعه کوچک را هم اداره کنید و برای بحران‌های بزرگتر در آینده پخته‌شوید

آن‌ها را چطور چه دست‌فرمانی حل و این کافی نیست؛ یعنی به یک قدمی ورود به محیط بیرون از دانشگاه هستید، مدلی کوچک اما کار جمعی را چه تحصیلی و چه در

ارتباط با علاقه‌مندی تجربه کنید و شبکه دوستانتان را گسترده‌تر. شما در دانشگاه‌ها تا فاصله تصور و واقعیت را کوتاه کنید و این محقق نمی‌شود مگر با جدی‌گرفتن علاقه و دغدغه‌هایی که به‌خاطرش پا به دانشگاه گذاشتید. پس باید رشته دغدغه خود را بگیرید و سررشته‌اش را در یکی از تشکل‌های دانشجویی پیدا کنید.

حضور در تشکل‌های دانشجویی این فرصت را به شما می‌دهد تا زمان، اموال و بحران‌های یک مجموعه کوچک را هم اداره کنید و برای بحران‌های بزرگتر در آینده پخته‌شوید.

ابتدا شکل‌ها را به خوبی بشناسید و به آن‌ها فرصت دهید خودشان را به شما معرفی کنند و بعد دست‌به‌کار شوید. همان‌طور که فضای انحصارگونه و تک‌صدایی تنوع را از بین می‌برد، در بسیاری از موارد حضور بیش‌ازحد و رقابت‌آمیز شکل‌ها، آن‌ها را به‌جای حفظ جبهه مشترک، به جنگ داخلی می‌کشاند و به فضای دانشگاه آسیب می‌زند؛ پس موظف به حفظ تعادل هستیم.

کارگاه و دوره، سرگرمی قدیمی تشکیلاتی‌ها

شاید نیاز باشد ذره بین نقد را به روی خودمان یعنی تشکیلاتی‌ها بگیریم. معضلی که شاید تشکیلاتی‌ها اخیراً درگیرش شده‌اند، رزومه‌های قطور است. اگر اهل بررسی سرمایه‌های انسانی یا گزینش بوده باشید در رزومه مراجعین طیف تشکیلاتی با تکثر حضور در دوره‌های آموزشی و مهارتی مواجه خواهید شد. گاهی به عنوان فراگیر و برخی به عنوان آموزگار. رزومه‌هایی که صاحب خود را آچار فرانسه‌ای بی‌بدیل و همه‌فن حریف معرفی می‌کند. خلق پول

می‌دانید چیست؟ یعنی تولید و خرید و فروش که بازاری برایش نباشد ولی دولت‌ها برای رفع موقت مشکل و بدهی‌هایشان اسکناس بدون پشتوانه تولید می‌کنند. کار بعضی تشکیلاتی‌ها مثل خلق پول است. مدام خلق رزومه می‌کنند، بدون

اینکه کاری رخ دهد و تولیدی شکل بگیرد. لشگری از رزومه داران می‌سازند، بدون آنکه اتفاق مثبتی رقم بخورد. در اصل تخصصی در این

میان شکل نمی‌گیرد و فقط خلق تفاخر صورت می‌گیرد. خلق تفاخر به رزومه‌های قطور.

آفت خود برتربینی گریبان گیر

تشکیلاتی‌ها

تشکیلاتی‌ها رصد خوبی دارند و مشکلات را بهتر و سریع‌تر از بقیه می‌بینند، دغدغه دارند و درد شناس هستند، وقایع را مشاهده می‌کنند و در پی راه حل مناسب هستند اما چند سالی می‌شود که خودشان دچار آفت

شده‌اند! متأسفانه برخی شکل‌ها سریع و دقیق‌ترین واکنش را برقراری دوره آموزشی می‌دانند که البته باید گفت سهل‌الوصل‌ترین کار هم همین است. راهکاری که ریشه‌اش در « ما می‌دانیم و دیگران نمی‌دانند » دارد و آفت خود برتربینی گریبان تشکیلاتی‌های دانشجویی-مردمی را گرفته است. متأسفانه در حال حاضر برخی خودشان را معلم

و آفت خود برتربینی گریبان تشکیلاتی‌های دانشجویی-مردمی را گرفته است. متأسفانه در حال حاضر برخی خودشان را معلم تئوری‌های گوناگون می‌دانند و مربی میدانی‌شدن را کم ارزش می‌شمارند. باید گفت برخی تشکیلاتی‌ها کم

نظیر هستند. هر شخصی که بعد از ثبت نام در تشکیلاتی اسم و رسمی دست و پا می‌کند و زمانی که به سطحی از اطلاعات می‌رسد، می‌شود آموزگار و حلال تمام معضلات. شاید چیزی شبیه معلم بازی کودکان باشد که امروز یکی شاگرد و فردا روز دیگری معلم. دوره‌هایی هم که برگزار می‌شود جالب است؛ از یمین تا یسار دوره‌ها را آباد می‌کنند و به قولی «فقط کم مانده به فرنی نمک بزنند».



زود آزرده خاطر نشویم!

اگر پول نداریم، امکانات هنری نداریم، ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه نداریم، اخلاق که می‌توانیم داشته باشیم!

■ نرگس امامی راد

دبیر واحد خواهران دفتر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری



در کار فرهنگی، مراقبت از رخنه‌های فرهنگی، مقابله با تهاجم فرهنگی، تولید صنایع و محتوای خلاق فرهنگی و استفاده از نیروی جوان آتش به اختیار در فعالیتهای فرهنگی از جمله مهم‌ترین راهبردها و خلاقیت‌هایی است که مجموعه‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها به ویژه کانون‌های فرهنگی در فعالیت‌ها و برنامه‌های خود باید مورد اهتمام قرار دهند. یک فعال فرهنگی باید در صدد اصلاح جامعه باشد، ما وقتی سیره پیامبران و ائمه را بررسی می‌کنیم به ویژگی شاخصی پی می‌بریم که بالاخص در ائمه پررنگ تر بوده است و

اهمیت خاص کار فرهنگی در دنیای امروز دارد. آیا به این درک رسیده ایم که سلاح امروز، سلاح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است؟! به این درک رسیده ایم که ترک دادن جوانی که معتاد شده، شناسایی مستضعف محله، شناسایی نخبه‌های اطراف و... همه و همه به گردن ما هم هست؟ در حال حاضر مهم‌ترین راهبردها و دغدغه‌های فرهنگی عرصه ورود به حوزه فرهنگی در سطح دانشگاه‌ها است. ایجاد ابتکار و خلاقیت در امور فرهنگی، جدیت در کار فرهنگی، کار تشکیلاتی، رعایت اخلاق تشکیلاتی، نظم در کار فرهنگی، برنامه ریزی فرهنگی، کار تمیز فرهنگی، خلوص

((فرهنگ یک کشور مثل هواست، شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید. اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما و اگر این هوا کثیف باشد آثار دیگری دارد. مسئولان فرهنگی باید مراقب رخنه فرهنگی باشند، رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک‌اند. اگر چنانچه یک رخنه فرهنگی به وجود آمد مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود آن را با پول، سبدهای کالا و یارانه نقدی جمع کرد؛ این‌طور نیست و به این آسانی قابل ترمیم نخواهد بود.)) این‌ها بخشی از بیانات نوروزی رهبر انقلاب در حرم مطهر رضوی بود و نشان از

حتی با همین ویژگی آزموده شده اند که برخی به امامت رسیدند و برخی نرسیدند. این ویژگی صبر است.

هنگامی که حضرت موسی فرمودند: **«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»**، یعنی پروردگارا، اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرموده ای، سینه‌ام را گشاده گردان و بر صبر و حوصله‌ام بیفز. اولین مسئله در کار فرهنگی برای کسی که می‌خواهد کار فرهنگی انجام دهد و مردم را هدایت کند همان صبر و تحمل در برابر قضاوت‌های نابه‌جا است.

«لَا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» نه این که پس از

هر خوشحالی گمان کنی که آری دیگر کار تمام شد، این مسیر یک مسیر سینوسی است، بسیار خوشی و ناراحتی دارد و این طبیعت کار فرهنگی است. اگر هر زمان فکر کردید

که می‌توانید کار فرهنگی انجام دهید اما لوس تشریف دارید. پس همان بهتر که نیایید! چون وسط کار تشکیلات را رها و دیگران را حیران می‌کنید.

بزرگ‌ترین معضل افرادی که کار فرهنگی می‌کنند، لوس بودنشان است،

این‌ها اصلا روی نفس خود کار نمی‌کنند. موقعی که دعواها و حذف‌ها و اسم نیابردن‌ها شروع شود، موقعی که حرص بخورند، بلاها سرشان می‌آید و همه این‌ها طبیعی است.

اصولی ترین قسمت کار فرهنگی سعه صدر است. خود خدا در این مسیر به اندازه توانایی مانع می‌آورد و باید این‌ها را رد کنی و تقریباً ۹۰ درصد افراد در همین موانع گیر می‌کنند و کلا بیخیال کار فرهنگی می‌شوند، برمی‌گردند و پای کار نمی‌مانند، الا قلیلا.

امروزه اگر ما بخواهیم جهاد تبیین انجام دهیم باید ویژگی‌های شاخص مجاهد تبیین‌گر را داشته باشیم، با زیر باد کولر خوابیدن، استاد و دکتر و مهندس و حاج آقا شنیدن کاری درست نمی‌شود. این که بنشینیم تا مردم به

سراغ ما بیایند، کاری درست نمی‌شود؛ زیرا دشمن حال حاضر در گوشی‌های تلفن همراه و به عبارتی در کف دست مردم به سراغ آن‌ها آمده است؛ پس این که تافته جدا بافته شویم و در کنجی سرمان به کار خودمان گرم باشد هیچ اتفاقی نمی‌افتد و در عقیبی باید پاسخگو باشیم.

فکر می‌کنید تشیع تا به امروز چطور توانست بین این همه دشمن این‌طور در دنیا بدرخشد؟

ابوالفرج اصفهانی در کتاب «مقاتل الطالبیین» چنین نقل می‌کند که:

ام‌البین سلام الله علیها مادر چهار شهید کربلا بود. وی به بقیع می‌آمد و برای فرزندان‌ش به سوزناک‌ترین شکل ممکن نوحه خوانی می‌کرد و مردم جمع می‌شدند و به نوحه خوانی او گوش می‌دادند. مروان، حاکم وقت مدینه و از دشمنان سرسخت اهل بیت، نیز در بین آن افراد بود و نوحه‌خوانی را گوش می‌کرد و می‌گریست. کار فرهنگی حضرت ام‌البین سلام‌الله علیها بعد از کربلا این‌گونه

بود. بانویی که دشمن اهل بیت علیه‌السلام را هم به گریه می‌انداخت. اگر می‌خواهید کار رسانه‌ای کنید، نشریه کار کنید، سخنرانی یا کار فرهنگی کنید. خودتان را به جای مخاطب بگذارید، نشریه‌ای کار کنید که اگر دیگران آن را کار کرده باشند شما حاضر باشید برایش هزار تومان بدهید و آن را بخوانید. هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس

نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست. اما باید توجه داشت که در همین هنر هم باید خوش‌سلیقه باشیم تا اثرگذار باشیم.

به یکی از نمونه‌های بدسلیفگی فرهنگی اشاره می‌کنیم: روی یکی

از بیلبردهای شهری در یکی از شهرستان‌ها، یک کودک معلول به تصویر کشیده شده با متن ((مربضی کودک، کفاره گناهان والدینش می‌باشد.)) کافیست کودک معلولی را در نظر بگیرید که این به اصطلاح کار خلاقانه فرهنگی را ببیند. این نمونه بدسلیفگی‌های فرهنگی نه تنها کاری از پیش نمی‌برد، بلکه در جامعه تأثیرات منفی زیادی دارد.

به قول رهبر معظم انقلاب ((اگر پول نداریم، امکانات هنری نداریم، ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه نداریم، اخلاق که می‌توانیم داشته باشیم برادرها!)) نمی‌دانم تا به حال کتاب رسول‌مولتان را خوانده اید یا نه. این کتاب در مورد زندگی شهید محمد علی رحیمی است که همان اول انقلاب اسلامی متوجه می‌شوند که تداوم انقلاب، نیاز به کار فرهنگی جدی دارد. سپس به این نتیجه می‌رسند که باید مرزهای فرهنگی انقلاب را گسترش داد و به همراه

همسرشان برای کار فرهنگی به هند می‌روند. سپس مسیر فعالیت فرهنگی ایشان را به پاکستان می‌برد. منطقه‌ای به نام مولتان

فعالیت‌های شهید در مولتان با امکانات کم، چنان اثری در منطقه می‌گذارد که خیلی زود خانه فرهنگ مولتان به یک قطب اثرگذار فرهنگی در آن منطقه تبدیل می‌شود و عاقبت به دست سپاه صحابه که گرایش وهابیت داشته به شهادت می‌رسد. ایشان گرچه بسیار

مورد بی‌مهری نیروهای مرکز قرار گرفته بودند، ولی همواره می‌گفته‌اند که: این‌ها بعد از ارزش کار من در این منطقه را خواهند فهمید.

اگر تا به حال این کتاب را مطالعه نکرده اید، شما را دعوت به خواندن آن می‌کنم تا به شما بگویم ای اهالی کار فرهنگی، بیایید هر کدام کلاهمان را قاضی کنیم که دشمنان اسلام، به ازای سر هر کدام چقدر حاضرند پول بدهند.

هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست. اما باید توجه داشت که در همین هنر هم باید خوش‌سلیقه باشیم تا اثرگذار باشیم.

به یکی از نمونه‌های بدسلیفگی فرهنگی اشاره می‌کنیم: روی یکی

تداوم انقلاب، نیاز به کار فرهنگی جدی دارد.

هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود.

کار تشکیلاتی در هر کاری رمز موفقیت است

وجه تمایز کار تشکیلاتی با کار گروهی و دسته جمعی

منصوره کهوری پور

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

این دید، گاهی از برخی مبانی اعتقادی مانند «تیت مؤمن بهتر از عملش است» شکل می‌گیرد که ما به اشتباه از آن برداشت می‌کنیم؛ در حالی که اگر جسم نباشد روح در کار نیست. اگر چه روح بسیار مهم‌تر از جسم است.

اگر جسم نباشد روح در کار نیست. اگر چه روح بسیار مهم‌تر از جسم است.

تشکیلات یعنی شکل و ظاهر و قیافه که بسیار مهم است. این مفهوم غلط را باید اصلاح کنیم که قیافه مهم نیست؛ چرا که در کنج ذهن ما شکل می‌گیرد که ظاهر مهم نیست و در نتیجه به سمت کار تشکیلاتی نمی‌رویم.

و ماندگار باید در قالب کار تیمی و تشکیلاتی به سرانجام برسد تا مفید واقع شود.
۲. هم‌فکری، ایده پردازی و خلاقیت در تشکیلات بیشتر از کارهای انفرادی است.
۳. تشکیلات، خستگی کمتر و تولید بیشتری دارد. و این موضوع عامل مهمی برای روند بهتر و تداوم کار تشکیلاتی است.
۴. تداوم کار؛ اگر برای یک نفری مشکلی پیش بیاید، فعالیتش هم تعطیل می‌شود، اما در تشکیلات و کار تیمی با غیبت یک نفر کار ادامه پیدا می‌کند.

قوام جامعه و کار تشکیلاتی

اصلاً قوام جامعه بسته به این کار تشکیلاتی است. پس امت واحد این‌طور شکل نمی‌گیرد که امام و ماموم، نه. باید کار تشکیلاتی وجود داشته باشد؛ وگرنه می‌شود نمونه ناموف حکومت امام علی(ع)، امام حسن(ع) و غیره. پس هر چه کار تشکیلاتی انجام بدهیم قوام جامعه افزایش می‌یابد. شکل و شاکله؛ اینکه شکل و ظاهر مهم بوده و منشأ قدرت است و این‌که کار تشکیلاتی در وجهه اجتماعی شاکله و قدرت بخش است. پس فهمیدیم چرا کار تشکیلاتی مهم است.

شاکله در تشکیلات

حال شاکله یعنی چه؟ شاکله یعنی قوام بخش؛ پس شاکله عمیق‌تر از تشکیلات است. کسی که از بیرون نگاه می‌کند در نگاه اول تشکیلات را می‌بیند نه محتوا را ... و همین شکل و قیافه است که افراد را جذب می‌کند و نوعی فراخوان است ولی کافی نیست، پس از آن باید شاکله خوبی داشتی باشیم. افراد برای چه وارد تشکیلات می‌شوند؟ چون نیاز به تکیه گاه دارند. پس تشکیلاتی جذاب‌تر است که شاکله مستحکم‌تری داشته باشد.

شکل قدرت بخش

است. وقتی فرد در تشکیلات احساس کند قدرتش بیشتر می‌شود، به این تشکیلات احساس نیاز پیدا می‌کند.

دسته‌بندی افراد و تشکل‌ها

افراد در تشکیلات به چند دسته تقسیم می‌شوند:
- برخی با ورود به کار تشکیلاتی آن را نابود می‌کنند.
- برخی در زمین خوب بازی می‌کنند. (تشکیلات باز)
- برخی زمین خوب بازی طراحی می‌کنند. (تشکیلات ساز)
بهترین مدل کار برای جهاد تبیین، کار تشکیلاتی و تیمی است.

اما چرا تشکیلات مهم است و باید تداوم داشته باشد؟

۱. کارهای ساده و سطحی را می‌توان انفرادی انجام داد، اما کارهای بزرگ و موثر

کارهای انفرادی با کوچک ترین موانع از بین می‌روند، اما حتی بزرگ‌ترین مشکلات هم نمی‌تواند کار تشکیلاتی را متوقف کند.

تجربه کافی ندارند اما دغدغه تبیین دارند، می‌توانند در تشکیلات تجربه کسب کنند و از تجربه دیگران استفاده کنند و خود این امر باعث رشد می‌شود.
۶. قرار گرفتن افراد در بهترین نقطه: در تشکیلات هر کسی کار خودش را به بهترین شکل انجام می‌دهد، و نتیجه آن یک اثر قوی است.

۷. کارهای انفرادی با کوچک ترین موانع از بین می‌روند، اما حتی بزرگ‌ترین مشکلات هم نمی‌تواند کار تشکیلاتی را متوقف کند.



اما چگونه تشکیلات تداوم پیدا کند؟

اما از ارتباط گیری با مجموعه همسو خودداری می کنند، چه رسد که بخواهند زیر یک بیرق واحد و منسجم فعالیت کنند، و عدم همکاری و انسجام تشکلها در کنارهم، جهت تعالی تشکیلات اسلامی، از دیگر موانع است که باعث می شود تداوم کار تشکیلاتی به سرانجام

مطلوب نرسد. این عدم همکاری بین تشکلها باعث می شود به نتیجه مطلوب و دلخواه نرسد، پس صرف رانندازی یک تشکل بزرگ قابل افتخار نیست، بلکه تشکل

خود را در مقیاسی وسیع تر و در گسترده تشکیلات جبهه حق دیدن و هم افزایی و ارتباط با دیگر تشکلها امری قابل تقدیر و ستایش است. قرآن کریم در این رابطه مفاهیم جالبی دارد که شهید مطهری در کتاب مساله انفاق به آن اشاره می کند و از تعبیر قرآنی «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» نتیجه می گیرد که مردان و زنان مومن، حامیان یکدیگر هستند؛ وابسته و پیوندخورده به یکدیگر

هستند و از تعبیر «بعضهم من بعض» درباره زنان و مردان منافق چنین استفاده می کند که منافقان هم دارای چنین همپستگی هستند.

تعامل با دستگاههای دولتی برای پیش برد اهداف فرهنگی موسسات و فعالیتهای فرهنگی تا جایی مطلوب

است که تشکل را اسیر بایستههای آن دستگاه یا اداره نکند. حال که مجموعههای فرهنگی موثر عموماً مردم نهادند، لازم است در تعامل با دستگاههای دولتی

احتیاط لازم را لحاظ کنند. سفارشی شدن فعالیتهای فرهنگی، رشد کاریکاتوری معارف دینی و البته عدم توجه اولویتها را هم به دنبال خواهد داشت. به امید روزی که بتوانیم با بهره گیری از معارف اسلام پایه گذار تشکیل امت واحد اسلامی در مقابل استکبار جهانی باشیم که این امر مقدمه ظهور حضرت حجت خواهد شد.

مجموعه های به ظاهر کوچکی وجود دارد که با وجود محروم بودن از تجهیزات و امکانات، نقش بسزایی در اهداف نظام اسلامی دارند. اما نباید نا

امید شوند و اجازه دهند کمبود امکانات هدف آنها را متوقف کرده و مانع کار تشکیلاتی شود. همان طور که حضرت آقا می فرمایند: (هر مسئولیتی در دست تک تک شما

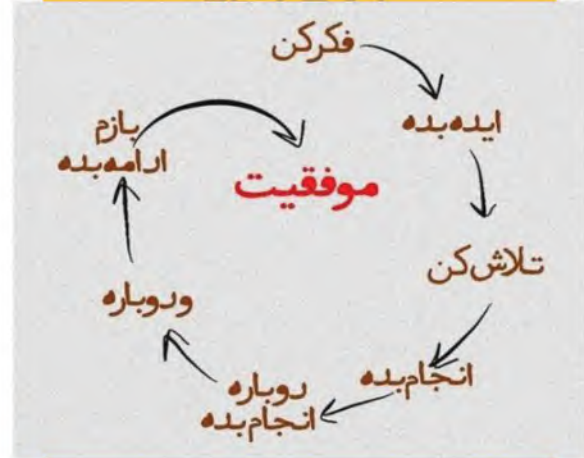
عیزان تنگه احدی است که می بایست از آن پاسداری کنید از کمبودها ناله نکنید، سر خورده نشوید، اول مأموریت آخر هم مأموریت، نه اول امکانات بعد مأموریت).

من هم به وجود تنگا واقفم و نمی گویم که نیست؛ وقتی انسان می بیند که مشکل زیاد است، باید تلاشش را زیاد کند، وقتی می رسیم به جایی که کار سخت است و نمی شود آن جا را کند، باید ضربه را قوی تر وارد کنیم و قوت را بیش تر تا خدا هم کمک کند، باید طلبه و اراده کار کنیم، باید فقیرانه کار کنیم، نه اینکه پول نخواهید، نه اینکه امکانات نخواهید، نه اینکه دنبالش نروید؛ چرا، بروید، اما اگر نشد؛

ره چنان رو که رهروان رفتند. اگر بیانات این حکیم فرزانه در تشکیلات به کار گرفته شود، کار تشکیلاتی آن چنان تاثیر گذار خواهد بود که هیچ

قدرتی نمی تواند جلوی سرعت و تداوم کار تشکیلاتی را بگیرد. اما مشکل عمده تشکیلات ما این است که مانند جزیره هایی هستند که به هم متصل نمی شوند! شاید شما درون شهر یا دانشگاه خود، هیأت، مسجد یا تشکل فرهنگی را مشاهده کردهاید که در عین ارتباط با مخاطبین خود، که گاهی رقم آنها خیلی کثیر است،

سفارشی شدن فعالیتهای فرهنگی، رشد کاریکاتوری معارف دینی و البته عدم توجه اولویتها را هم به دنبال خواهد داشت.



گفت و گو

■ علی رحیمیان

ادوار دفتر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شهرکرد

- لطفا خودتون معرفی کنید.

+ سلام و ادب

من محمد طاهری تینجانی، ورودی ۸۴ رشته مکانیک دانشگاه شهرکرد هستم؛ در ابتدای ورود به دانشگاه عضو بسیج دانشجویی شدم و یک سال هم عضو شورای حوزه شهید علم الهدی دانشگاه شهرکرد بودم؛ بعد از یکی دو سال به دلیل فضای سازمانی بسیج و ایجاد زمینه برای فعالیت وسیع تر با جمعی از دوستان تصمیم به تاسیس تشکل جامعه اسلامی دانشجویان در دانشگاه گرفتیم؛ که به لطف خدا در شهریور ۱۳۸۷ دفتر مجوز فعالیت گرفت و مشغول به کار شد.

استعفای یکی از دوستان در دی ماه ۱۳۸۸ به شورای مرکزی اتحادیه اضافه شدم و در آن شورا مسئولیت واحد روابط عمومی و قائم مقامی واحد آموزش را عهده دار شدم. در این مدت همایش آموزشی سالانه

اتحادیه را با همکاری دوستان در شهر همدان برگزار کردیم که تجربه گران سنگی برای بنده بود.

بعد از فارغ التحصیلی دوره کارشناسی، ارشد تبدیل انرژی خواندم و در سال ۱۳۹۷ هم ارشد اقتصاد اسلامی؛ که سال گذشته فارغ التحصیل شدم.

- به نظر شما جنبش دانشجویی چه تغییراتی نسبت به دوره های قبل (دهه ۸۰، ۹۰) داشته است؟ در حال حاضر جنبش دانشجویی به چه آفتها و آسیبهایی دچار شده است؟

+ مهم ترین تغییر در شرایط تشکل های دانشجویی، اضافه شدن فضاهای تبلیغی و ابزارهای متنوعی است که در دوره ما اصلاً وجود نداشت؛ نهایت فناوری دوره ما رایانامه (ایمیل) و وبلاگ بود؛ اما امروز ظرفیت

امروز ظرفیت شبکه های اجتماعی، ابزار آموزش مجازی، نشست های برخط و... خیلی فرصت خوبی ایجاد کرده است.

شبکه های اجتماعی، ابزار آموزش مجازی، نشست های برخط و... خیلی فرصت خوبی ایجاد کرده است اما اصل قصه که ایجاد تخاطب بین تشکل و اعضا است تغییری نکرده است و نباید اجازه بدهیم این ابزارها، ما را از ارتباط و علقه های که میتونه در رفاقتها و دوره های ما شکل بگیره، غافل

شویم.

یک سال

دبیر جاد شهرکرد بودم و بعدش در انتخابات اتحادیه شرکت کردم که به عنوان نفر علی البدل انتخاب شدم و پس از



- به نظر شما تشکل جامعه‌اسلامی چه نقشی

را در حلقه‌های میانی ایفا می‌کند؟

+ اساساً تشکل‌های دانشجویی دو وظیفه‌ی غایی دارند؛ اول تربیت نیرو، دوم ارتباط مؤثر با بدنه‌ی جامعه و اتحاد امت اسلامی؛ این که آن شهید بزرگوار

می‌فرمایند دانشجوی مؤذن جامعه است بدان جهت که به دلیل قرارگیری در نقطه‌ی حساس ارتباط با نخبگان و مردم نقشی تأثیرگذار خواهد داشت چراکه تبیین و آگاه‌سازی جامعه تنها با ارتباط چهره به چهره و گفتگو شکل می‌گیرد. حال اگر دانشجویان از این نقش خود غفلت کنند و سرگرم روزمرگی‌ها و دنیاخواهی شوند به مرور این خط ارتباطی مختل خواهد شد و فجایی مثل اتفاقات و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ رخ خواهد داد؛ بدتر آن که همین دانشجویان و پیشروان خودشان آتش بیار معرکه‌ای شوند که قرار بود تبیین‌گر آن باشند مانند اتفاقات غم‌انگیز دانشگاه صنعتی شریف. حال به وظیفه‌ی اول دانشجویان برگردیم؛ یعنی تربیت نیرو. اهمیت این موضوع به

قدری است که مهم‌ترین ضعف در نظام اسلامی طی ۴۰ سال گذشته در همین بخش بوده است و اگر مجموعه‌هایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و معدود مجموعه‌های دیگر نبودند، قطعاً این مشکل حادث‌تر از وضعیت امروز بود.

ما نیاز داریم به تربیت نسلی فعال، پیشرو، آگاه، مؤمن و... که قطار انقلاب را به پیش ببرند و اینجاست که نقش دانشگاه و تشکل‌های دانشجویی به عنوان



مجموعه‌های مرتبط با نسل جوان بیش از دیگران است؛ اگر از فرصت دانشجویی استفاده نشود، بعد از آن خیلی سخت می‌شود روی افراد تأثیر گذاشت.

مهم‌ترین بخش‌ها در تربیت نیرو هم برمی‌گردد به تقویت مبانی معرفتی نسل جوان؛ همان بحثی که در ابتدای این سوال بدان پرداخته شد. اگر

دانشجو را به یک درخت تشبیه کنیم و ابعاد مختلف معنوی، معرفتی، تحصیلی و... را به عنوان شاخه‌های اصلی آن در نظر بگیریم، برای رشد

متوازن این درخت باید در همه‌ی زمینه‌ها رشد حاصل شود؛ به علاوه می‌توان مبانی را به عنوان ریشه‌ی این درخت در نظر گرفت که در صورت رشد خوب شاخه‌ها بدون تغذیه مناسب از ریشه بعد از مدتی این درخت خشک خواهد شد.

- یکی از اهداف جامعه‌اسلامی تربیت نیروی تراز انقلاب است، رابطه‌ی تربیت نیرو با مبانی معرفتی چیست؟ سهم مبانی معرفتی در فعالیت‌های دانشجویی چیست؟

+ هر حرکت بدون داشتن مبانی قوی و مستحکم محکوم به فنا است؛ چرا که با اولین ترید و شکی که در فرد ایجاد می‌شود کل حرکت را زیر سوال می‌برد؛ هر چند این تغییر یک فرایند است

نه یک جرقه ولی اگر مبانی مستحکم شد، به این راحتی‌ها دچار تزلزل نخواهیم شد. حضرت آقا در دیدارهای مختلف از گذشته تا امروز بارها در دیدارهای دانشجویی بر ضرورت تقویت مبانی معرفتی دانشجویان تأکید داشتند؛ از جمله در دیدار رضائی امسال فرمودند: «اگر مبانی معرفتی یک جوان، بخصوص جوان دانشجوی مستحکم باشد، دل او قرص می‌شود، گام او استوار می‌شود، حرکت او استمرار پیدا می‌کند، دیگر خستگی وجود ندارد. اطمینان دل موجب می‌شود که ایمان هم افزایش پیدا کند، خود ایمان اطمینان می‌آورد؛ اطمینان دل و سکینه‌ی قلب هم ایمان را افزایش می‌دهد. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي

قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَئِنْ دَادُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ؛ قبلاً مؤمن بودند اما وقتی این آرامش قلبی را خدای متعال به آنها داد به خاطر تکیه‌ی به واقعیت‌های معنوی و الهی، این ایمان افزایش پیدا می‌کند.» در برهه‌های مختلف تاریخ انقلاب بودند جریان‌ها و گروه‌هایی که به دلیل ضعف مبانی، به کل سابقه و تلاش‌های خود پشت کردند و به تعبیر قرآن «هَبَاءٌ مَنثورًا» شد.

- باتوجه به تأکید مکرر رهبری مبنی بر تعمیق اندیشه‌ها و تقویت مبانی فکری، چه روش‌ها و قالب‌هایی در دوره‌ی فعلی

اثرگذار است؟

+ مهم‌ترین کار در بحث تقویت مبانی، رجوع به منابع معتبر و دست اول است؛ حضرت آقا در همین دیدار امسال با نام بردن از آثار بزرگانی چون شهید مطهری، شهید بهشتی و مرحوم آقای مصباح آن هم نه برای مرتبه‌ی اول بلکه در تکرار چندباره این منابع دست اول را مشخص کردند؛ البته علاوه بر مطالعه‌ی این آثار باید برنامه‌ی تلاوت قرآن و مطالعه‌ی نهج‌البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه نیز در برنامه باشد چون که تقویت و مطالعه زمانی می‌تواند راهگشا باشد که در کنار آن به خودسازی و معارف دینی اهتمام ویژه داشته باشیم.

یکی از مهم‌ترین دوره‌ها برای کمک به تقویت مبانی، دوره‌ی طرح ولایت است که در سال‌های اخیر گسترش بسیار خوبی داشته است و علاوه بر دوره‌های حضوری، چندین دوره‌ی مجازی آن نیز برگزار شده است؛ این دوره چند شاخصه‌ی اساسی دارد که از دیگر دوره‌ها آن را متمایز می‌کند؛ نخست آنکه این دوره تحت نظر فقیه متفکری با سابقه‌ی تشکیلاتی تدوین شده است و خود ایشان این دوره را ثمره‌ی عمر هفتاد ساله‌ی خود در حوزه‌ی علمیه برشمرده‌اند؛ دوم، بارها در سال‌های مختلف مورد تأیید حضرت آقا قرار گرفته است؛ سوم آنکه مباحث دوره دائماً در حال ویرایش و بروز رسانی است؛ و چهارم آن که در این دوره روش مقابله با سوال‌ها و مسائل جدید آموزش داده می‌شود و به نوعی یک خود‌ایمونی برای دانش‌پژوه ایجاد می‌شود.

تشکل ابتر

تربیت نیروی تراز انقلابی یا مدیر تراز انقلابی؟!

■ نرجس دائمی

قائم مقام واحد خواهران دفتر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری



یا مدیر آن مجموعه و تشکل دارد، یعنی دبیر آن تشکل باید به نحوی مدیریت کند که اعضای شورای مرکزی و تمام اعضای آن تشکل، فعال باشند.

مدیر مثل یک مربی است. نباید غرق در کارهای اجرایی شود. مدیر نباید با کار اجرایی به معنی کار فیزیکی و کار گزارشی و مکاتبه و نامه و بحث و جدل‌های جزئی خیلی سر و کار داشته باشد. باید رفع آن‌ها

را به گروهش بسپارد. کار مدیر این است که مدام حرکت معاون‌های گروهش و سپس کل مجموعه را زیر نظر داشته باشد و برای

آن‌ها برنامه‌ریزی کند. و این‌گونه مدیریت

مهم، اقدام به تاسیس مدرسه دین و دانش کردند و در آن‌جا به نحوی برای انقلاب اسلامی، نیروی جوان و متخصص پرورش دادند. بسیاری

از دانش‌آموختگان این مدرسه، در دوران مبارزه فعال بودند و بعدها در مدیریت کشور، نقش مهمی ایفا کردند.

کار مدیر این است که مدام حرکت معاون‌های گروهش و سپس کل مجموعه را زیر نظر داشته باشد و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کند.

پس تا به این‌جا متوجه ضروری بودن کلاس‌سازی در تشکل شدیم، حال می‌خواهیم ببینیم به چه نحوی باید کلاس‌سازی کرد؟

کلاس‌سازی رابطه مستقیمی با مدیریت دبیر

در بیان اهمیت کلاس‌سازی در تشکل همین بس که به قول بزرگی، «تشکل بدون کلاس‌سازی، ابتر است».

شهید مظلوم و بزرگوار آیت‌الله بهشتی که در این مسیر پیش قدم بوده و فعالیت‌های بسیاری در زمینه تشکیلات و کلاس‌سازی

کلاس‌سازی یکی از مهم‌ترین ارکان هر تشکل اسلامی است که می‌خواهد در راستای اهداف انقلاب قدم بردارد و فعالیت کند.

در جهت اهداف انقلاب اسلامی داشتند، این‌گونه می‌فرمایند: «تصمیم گرفتیم که یک حرکت فرهنگی ایجاد کنیم و در زیر پوشش آن کادر بسازیم. و تصمیم گرفتیم که این حرکت اصیل، اسلامی باشد و پیشرفته باشد و زمینه‌های برای ساخت جوان‌ها.» ایشان برای تحقق این امر

را به تک تک اعضا آموزش می‌دهد.

به عنوان دبیر دارد و چند نفر اعضای

و بهتری داشته باشند.

در نهایت دبیر آن واحد، بر نحوه فعالیت کارگروه های واحدش نظارت مستمر دارد که کارها درست براساس همان سیاست های تشکل پیش برود. حال ممکن است سوال پیش بیاید که این همه نیروی فعال از کجا بیاوریم که مشتاقانه و مستمر فعالیت کنند؟

سوال خوبی است، باید بگویم که قدم اول در تشکل خودسازی است، وقتی اعضای شورا بتوانند در تشکل خودسازی کنند، یعنی توانسته‌اند نفس خود را ضعیف تر کنند، منیت را کنار بگذارند، حتی رفتار بهتری داشته باشند و در موقعیت های گوناگون از خود صبر نشان دهند؛ در نتیجه می‌توانند افراد را جذب کنند، اما آیا برای فعالیت فقط جذب کردن کافی است؟

خیر. پس بعد از اینکه افراد را جذب کردند باید خوراک فکری به آن‌ها بدهند، بتوانند ذهن و فکر و قلبشان را هم‌سوی اهداف تشکل که همان اهداف و آرمان های انقلاب است کنند. پس از آن استعدادها و ظرفیت‌هایشان را شناسایی کرده، در جایگاه مناسب قرارشان دهند و با ایجاد دغدغه، از آن‌ها نیروی فعال انقلابی بسازند.

اگر شورای مرکزی تشکلی بتواند در طول دوره ی یکساله خود، کادرسازی خوبی داشته باشد، خیالش از بابت دوره بعدی هم راحت است، چرا که همان کادر توانمندی که در کنار خودشان فعالیت کرده و باهم رشد کردند، اعضای شورای دوره ی بعدی هستند که آن‌ها هم دغدغه کادرسازی درست دارند؛ و این چرخه ادامه دارد، تا جایی که افراد پس از دانش‌آموختگی و دور شدن از فضای تشکل دانشجویی، همچنان در بطن تشکل باقی می‌مانند و از افراد

تاثیرگذار در انقلاب اسلامی می‌شوند. این یعنی کادرسازی و تربیت نیرو یا مدیر تراز انقلابی درست، که امامین انقلاب و شهید بهشتی مدنظر دارند.

شورای مرکزی آن هستند که این شورا، سیاست‌گذاری‌ها و ریل‌گذاری‌های اصلی تشکل را انجام می‌دهند و دبیر هم به عنوان بخشی از این شورا نظارت می‌کند که مسیر به انحراف کشیده نشود.

حال که ریل‌گذاری توسط اعضای شورا انجام شد، اعضای که عضو عادی تشکل هستند باید بر سر کار بیایند،

مثلا دبیر یک واحد از تشکل، خود می‌تواند یک مشاور داشته باشد و یک قائم مقام، و در فعالیت‌های گوناگون می‌توانند کارگروه داشته باشند که هر نفر را مسئول یک کارگروه قرار دهند و آن مسئول کارگروه برای خود جانشین داشته باشد تا بتوانند در کنار هم فعالیت منظم‌تر

دبیر آن تشکل، باید فردی مدیر باشد که بتواند مدبرانه، از اعضا با توجه به استعدادهایشان، در فضاهای مناسب استفاده کند.

حالا فعال بودن نه فقط به این معنی که همه افراد مولد باشند، همین که مطالعه داشته باشند و فضای تشکل را پویا نگاه دارند، فعالیت محسوب می‌شود.

پس دبیر آن تشکل، باید فردی مدیر باشد که بتواند مدبرانه، از اعضا با توجه به استعداد هایشان، در فضاهای مناسب استفاده کند.

در اوایل دوره ی یکساله شورای مرکزی هر تشکل، خود آن اعضای شورا، کادر شورای قبلی بودند که روی آن‌ها کار شده و مسئولیت‌های کوچک و بزرگی در دوره فعالیت شورای قبلی دارا بودند.

شورای جدید و در رأس آن دبیر تشکل، باید از همان ابتدا، اعضا را شناسایی کرده و نسبت به ظرفیت و استعداد افراد به آنها خوراک فکری بدهد.

تشکل جامعه اسلامی را به منزله همان مدرسه دین و دانش بداند که قرار است نیروی تراز انقلابی پرورش دهد و بیشتر از نیروی تراز انقلابی، مدیر تراز انقلابی باید تربیت کند.

تشکل جامعه اسلامی دانشجویان که یکی از دو بال آن، یعنی بال تشکیلاتی آن، تفکرات و

رهنمودهای شهید بهشتی است، باید شهید بهشتی را الگو قرار داده و تشکل جامعه اسلامی را به منزله همان مدرسه دین و دانش بداند که قرار است نیروی تراز انقلابی پرورش دهد و بیشتر از نیروی تراز انقلابی، مدیر تراز انقلابی باید تربیت کند. مدیر تراز انقلابی یعنی چه؟ یعنی برای تشکل مسئولیت‌های ریز و درشت تعریف کنند و برای هر مسئولیت، شخصی را قرار دهند که یک مجموعه را مدیریت کند و بتواند در این مسیر مدیریت را یاد بگیرد. به عنوان مثال یک تشکل یک نفر



جمع بعد فردی و اجتماعی و خانوادگی افراد در پیشبرد اهداف تشکیلاتی، بسیار تأثیر گذار است.

در راستای پیشبرد اهداف تشکیلاتی باید یک سری چارچوبها رعایت شود تا بتوان در هر حیطة و زمینه‌ای رشد پیدا کرد. از جمله مسائلی که باید تقویت پیدا کند، بعد فردی اشخاص است؛ ما در تشکیلات زمانی به اهداف و برنامه‌هایمان نزدیک‌تر می‌شویم که ابتدا شخصی متعهد، معتقد و با پشتکار باشیم.

فاطمه غلام‌رضایی

دبیر واحد فرهنگی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان

در رابطه با اهمیت کار تشکیلاتی و بعد اجتماعی و تأثیرگذاری آن در تشکیلات هیچ شکی نیست؛ اما باید توجه داشته باشیم رابطه اجتماعی افراد با بعد فردی و خانوادگی یک رابطه دوسویه است و تأثیرگذاری متقابل آن همیشگی است.

بنابراین باید به یاد داشته باشیم همان‌طور که ابتدا در رابطه با بعد فردی افراد گفته شد، اگر نتوانیم آن را در خانه و خانواده به ثبات اعتقادی، شخصیتی و رفتاری برسانیم، نمی‌توانیم در اجتماع نقش مثبت داشته باشیم و یک قدم به اهداف تشکیلاتی نزدیک شویم، پس چه بهتر که برای تقویت روحیه فردی توجه بیشتری داشته باشیم؛ اما نکته اینجاست وقتی شخصی قدم در عرصه تشکیلات دانشجویی یا فعالیت‌های اجتماعی دیگر می‌گذارد، یک سری مسائل را در زمینه اجتماعی و خانوادگی باید رعایت کند که به هیچ کدام ضربه‌ای وارد نشود و هر شخص برحسب سبک زندگی خودش باید بین فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی‌اش مرزهایی

را رعایت کند تا به هیچ کدام لطمه‌ای وارد نشود. ما وقتی بتوانیم بین روابط اجتماعی و خانوادگی مان رسیدگی درست داشته باشیم

اما باید توجه داشته باشیم رابطه اجتماعی افراد با بعد فردی و خانوادگی یک رابطه دوسویه است و تأثیرگذاری متقابل آن همیشگی است.

قطعا یک نیروی تأثیرگذار خواهیم بود.

و در زمینه‌های اجتماعی زیادی فعالیت می‌کند، با مردم ارتباط می‌گیرد و در بسیاری از زمینه‌ها اظهار نظر می‌کند، باید بتواند از استدلال‌های مستحکم و فن بیان قوی برخوردار باشد و این‌جاست که نظر دیگران را به خود جلب می‌کند و باعث ایجاد شخصیت مفید و پراهمیت در میان جمع می‌شود. دانشجویان تشکیلاتی که بسیار بعد اجتماعی آن‌ها با اهمیت است، بر همین مبناست که باید پله اول که

همان بعد فردیست را تقویت کنند و وقتی وارد تشکیلات می‌شوند روحیه مطالبه‌گری خود را بروز دهند، چالش‌هایی که در نظر دارند بیان کنند و در رابطه با آن مشکلات

راه‌حلهایی را پیشنهاد دهند، بنابراین بعد اجتماعی افراد بسیار حائز اهمیت است که اگر در مسیر درست از آن استفاده نشود و اندیشه‌های غلط و اقدامات نادرست را در پیش بگیریم، در این مسیر می‌تواند مشکلات زیادی را برای جامعه ایجاد کند که جبران ناپذیر است؛ برای همین همیشه از حساسیت بعد اجتماعی و رفتار اجتماعی افراد سخن به میان می‌آید.

دانشجویان تشکیلاتی که بسیار بعد اجتماعی آن‌ها با اهمیت است، بر همین مبناست که باید پله اول که همان بعد فردیست را تقویت کنند.

باید توجه داشته باشیم اگر از نظر فردی شخصی قوی باشیم در اکثر زمینه‌های معرفتی، شناختی و مواردی دیگر می‌توانیم در فعالیت‌های جمعی مفیدتر واقع شویم؛ پس باید به یاد داشته باشیم که روی بعد فردی بسیار کارکنیم، چه در زمانی که هنوز اقدامی برای ورود به فعالیت‌های جمعی نداشته باشیم، و چه پس از آن. بعد فردی باید در همه حال تقویت شود.

مرحله بعد برای تأثیرگذاری در جامعه پا گذاشتن در عرصه اجتماع است. یعنی نمی‌توان شخصی را پیدا کرد که از لحاظ بعد فردی بسیار مرتبه بالایی دارد، اما در اجتماع حضور ندارد و این چنین اشخاصی که نتوانند تأثیر

مثبت خود را بر دیگران بگذارند شاید نتوان به آن صورت که مستحق آن هستند از آن‌ها یاد کرد؛ پس نقش ایفا کردن در اجتماع بسیار اهمیت دارد، نکته آن‌جاست که ما تأثیرگذاری که می‌خواهیم در اجتماع داشته باشیم باید مثبت باشد و یک پله ما را به اهداف نزدیک‌تر کند. وقتی از اهمیت بعد اجتماعی افراد سخن به میان می‌آید، دلیل آن است که دیگر تو تنها نیستی و بحث فراتر از یک نفر هست و به این مسئله باید جدی پرداخته شود. وقتی یک فرد از معارف زیادی برخوردار است

نگاهی بر مخاطب شناسی و چگونگی مدیریت کار تشکیلاتی

■ نرگس مشهدیان

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

رونمایی از اثر، پا را فرا تر از مرزهای حقیقت نگذاریم. تفاوت در خلیقات، آداب و رسوم و شیوه تربیتی موجب تفاوت انسان‌ها و در نتیجه موجب تفاوت در سلیقه آن‌ها در انتخاب محتوا است. لذا برای جذب مخاطب و مدیریت کارهای تشکیلاتی باید ابتدا مخاطب و شیوه شکل‌گیری آن را شناخت و محتوا را آن‌گونه که می‌دانیم بهتر دریافت می‌شود تولید کرد. با تولید محتوای مناسب حتی می‌توان زندگی تازه‌ای برای مخاطب ساخت.

است، و به عنوان پتانسیل یا واقعیت مصرف‌کنندگان در نظر گرفته می‌شود. مخاطبانی که توسط رسانه‌ها شکل می‌گیرند، براساس توافق علاقه‌هایشان و نه بر پایه پس‌زمینه اجتماعی یا مکان مشترک، تعریف می‌شوند. فرهنگ سلیقه، به جای تمرکز بر یک گروه از افراد، به مجموعه‌ای از محصولات رسانه‌ای مشابه، از جمله فرم، سبک ارائه و ژانر برنامه‌ها که برای هماهنگی با شیوه زندگی بخشی از مخاطبان تولید می‌شوند، اشاره دارد. تجربیات اجتماعی نیز نقش حائز اهمیتی در ایجاد خواسته‌های خاص مخاطبان از رسانه‌ها دارند.

هر رسانه و هر ارتباط‌گری به دنبال مخاطب است و خواه‌ناخواه هر اثری که خلق می‌شود، هر فیلمی یا هر خبری باید توسط کسانی که داوطلبانه به رسانه یا محتوا روی می‌آورند دیده و دریافت شود تا به عنوان اثر، ارزشی داشته باشد. حال، مخاطب یا همان کسی که داوطلبانه به اثری روی می‌آورد را می‌توان با سازگار، خلاقانه، مفید و جذاب کردن اثر تحت‌تاثیر قرار داد و بر شمار آنان افزود. اما باید توجه داشت که در

مخاطب شناسی

مخاطبان را می‌توان بر اساس ویژگی‌های مختلفی دسته‌بندی کرد. اینک به چند نوع نگرش به مخاطب اشاره می‌کنیم. اصطلاح «بازار» در ارتباط با رسانه‌ها، به صورت یک رابطه محاسباتی بین فرستنده و گیرنده است و نه یک رابطه عادی یا اجتماعی. در دیدگاه مبتنی بر بازار، ارتباطات مؤثر و کیفیت تجربه مخاطبان درجه دوم اهمیت دارند. این نگرش به مخاطب با رویکرد صنایع رسانه‌ای مرتبط است. با رشد تجارت رسانه‌ای، مفهوم بازار نیز گسترش یافت. بازار رسانه‌ای به عنوان مجموعه‌ای از تولیدات و خدمات رسانه‌ای که دارای تاریخچه اجتماعی و اقتصادی



برای مثال:

● کنجکاوی درباره جهان و محل زندگی افراد، فرد را به توجه به اخبار و اطلاعات سوق می‌دهد.

● موقعیت‌هایی که نشان دهنده عدم قطعیت و عدم تصمیم‌گیری فرد است، او را به جستجوی راهنما یا مدل‌های رفتاری خاص سوق می‌دهد.

● انزوای اجتماعی، مخاطب را به دنبال همنشینی یا هماهنگی با فرهنگ همسالان سوق می‌دهد.

برخی از مخاطبان نیز به رسانه‌ها وابسته هستند و از الگوها و رفتارهایی که توسط رسانه‌ها ارائه می‌شود، پیروی می‌کنند. مثلاً

استفاده از لباس‌ها یا تقلید از حرف‌های یک ستاره‌ی سینمایی، نمونه‌هایی از این رفتارها هستند. برخی از افراد معتقدند که رسانه‌ها از این نوع وابستگی و شیدایی بهره می‌برند و سعی می‌کنند تا از طریق ایجاد هواخواهی، سود بیشتری به دست آورند و مخاطبان را فریب دهند.

اما نظریه دیگری وجود دارد که هواخواهی را نشانه قدرت خلاقه مخاطب می‌داند. بر اساس این دیدگاه، هواخواهان عناصر رسانه‌ای را با استفاده از خلاقیت

خود به معناهای جدیدی تحلیل می‌کنند و روش‌های شناختی تازه‌ای برای فهم مسائل فرهنگی و نحوه نمایش آن‌ها ایجاد می‌کنند. این رویکرد به مخاطبان کمک می‌کند تا از دام فریب رسانه‌ها فرار کنند و به شناخت بهتری از رویدادها و جوامع اجتماعی که در آن‌ها زندگی می‌کنند، دست یابند.

بنابراین، تا اینجا چهار دیدگاه به مخاطب را باهم بررسی کردیم؛ مخاطب به عنوان بازار، توجه به سلیقه‌ی مخاطبان، مخاطبان با توجه به تجربیات اجتماعی آنان و مخاطبان هواخواه. سه دیدگاه ایجاد صمیمیت از دور برای مخاطبان:

۱- استفاده از سبک خودمانی و خطاب‌های دوستانه و صمیمانه می‌تواند راهبردهای گفتمانی مؤثری باشند تا صمیمیت از دور را در مخاطبان ایجاد کنند.

۲- ایجاد تعاملات شخصی و مشارکتی با شنوندگانی که علاقه‌مند به مشارکت در مباحث هستند.

۳- با استفاده از ابزارهایی مانند جلوه‌های ویژه صوتی یا تلفن‌های مستقیم، می‌توان مخاطبان واقعی خیالی خلق کرد.

برخی از مخاطبان نیز به رسانه‌ها وابسته هستند و از الگوها و رفتارهایی که توسط رسانه‌ها ارائه می‌شود، پیروی می‌کنند.

چند نکته برای انجام کار تشکیلاتی:

برای انجام کار تشکیلاتی و تولید محتوای مناسب و به دور از تعصبات و بازی‌های نفسانی ابتدا باید روی تهذیب نفس خود کار کرد. باید برای این کار معرفت و شناخت خود را نسبت به دین و نسبت به محتوای مد نظر تا حد امکان افزایش داد. باید نقطه‌ی مقابل کار، تشکیلات و محتوای خود را نیز به خوبی شناخت و ابتدا از شبیه شدن به آن دوری کرد و در ثانی محتوای مناسب در جهت مقابله با آن را تولید کرد. و در نهایت برای کار تشکیلاتی هیچ چیز به اندازه‌ی صمیمیت و همدلی اعضا باعث رشد و پیشرفت و اثر بخشی کار نمی‌شود. باید دانست که هیچ کاری بدون تشکیلات پیش نمی‌رود و اساس تشکیلات همیاری و همدلی با یکدیگر است.

نتیجه‌گیری:

با درک مفهوم مخاطب و شناخت مخاطبان و داشتن درک صحیحی از مفهوم تشکیلات می‌توان به خوبی تشکیلات را مدیریت کرده و تمام ظرفیت‌ها و اهداف تشکیلات را بر مبنای درستی قرار داد تا بتوان اهداف شایسته و درخور و مقدس را به سرانجام رساند.



هستی در نیستی

بیست درصد از دانشجویان، فعال فرهنگی هستند و تنها پنج درصد از آنها عضو تشکل جامعه اسلامی می‌شوند و از این پنج درصد تنها تعداد اندکی پای ثابت کار هستند.

فاطمه ابونئی سرزیدی

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

در دانشگاه دانشجو علاوه بر تحصیل، می‌تواند فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، ورزشی با توجه به استعداد و علاقه‌اش انتخاب کند. کانون‌ها و تشکل‌های زیادی وجود دارند که تنها ۲۰ درصد از دانشجویان فعال فرهنگی هستند و شاید تنها ۵ درصد آن‌ها در تشکل جامعه اسلامی شروع به فعالیت می‌کنند.

مثال اگر کسی استعداد عکاسی دارد و تشکیلات از او در مراسمات به عنوان عکاس دعوت کند قطعاً آن شخص تشکل را رها نخواهد کرد.

انسان رشد و شکوفایی را دوست دارد و هیچ‌گاه از آن نخواهد گذشت.

کانون‌ها و تشکل‌های زیادی وجود دارند که تنها ۲۰ درصد از دانشجویان فعال فرهنگی هستند و شاید تنها ۵ درصد آن‌ها در تشکل جامعه اسلامی شروع به فعالیت می‌کنند. موضوع جامع و عینی که در تشکل‌های سراسر کشور مشاهده می‌کنیم این است که

یادتان باشد اگر کسی بداند در تشکلی یا هر مکانی دیگر به او بها داده می‌شود هیچ‌وقت آن‌را رها نخواهد کرد. چرا که انسان رشد و شکوفایی را دوست دارد و هیچ‌گاه از آن نخواهد گذشت.

چرا اعضا بعد از جذب شدن، عملکرد مناسبی ندارند؟

حوزه‌ای مخصوصاً تشکل‌ها سخت و وقت گیر است و منکر آن نیستیم؛ اما باید گفت تنها کار عشق است که باعث می‌شود این همه سختی را با جان خرید. چرا که هیچ استادی به دانشجوی فرهنگی نمره

درختی قطور که مشکل ایجاد کرده است، قطعاً بریدن آن باره کار سختی است و یک شبه نمی‌تواند آن را قطع کرد. به زمان و صبر کافی احتیاج است.

بیشتر نخواهد داد که او دو شب است درگیر اجرای برنامه‌ای در دانشگاه بوده است و او مانند بقیه دانشجویان باید امتحان دهد.

بسیاری از افراد چون تجربه کافی ندارند و همیشه ترس از اشتباه دارند، مسئولیتی را نپذیرفته و همیشه از دور به تماشا می‌نشینند و گاهی از تشکل فاصله می‌گیرند. باید دبیر و اعضای تشکل با رفتاری مناسب به آن‌ها دل گرمی داده و آن‌ها را به کار تشکیلات تشویق کنند.

دلایل زیادی وجود دارد که ما در این قسمت تنها بخشی از آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بسیاری از افراد بعد از ورودشان، دچار سردرگمی می‌شوند؛ چرا که مسئولیت و وظیفه آنها درست شرح داده نشده و افراد نمی‌دانند در موقعیت‌های مختلف، چگونه عملکرد مناسبی از خود داشته باشند.

دانشجویی می‌تواند بار این سختی و مسئولیت را به دوش کشد که عشق داشته باشد و دوست داشته باشد که بماند. بنابراین نباید توقع داشت همه بتواند زیر این بار سنگین غم به ابرو نیآورند.

نکته بعدی که از آن به عنوان اشتباه یاد می‌کنم، این است که تشکل‌ها در اولین روز ورود دانشجویان ترم اول شروع به جذب می‌کنند و بیشترین جذب خود را در چنین روزی می‌دانند. بسیاری از افراد در اولین روز از ورودشان به دانشگاه دچار استرس و اضطراب زیادی می‌شوند که چگونه مراحل ثبت نام را انجام دهند و چگونه اطاق انتخاب کنند.

چرا که آن‌ها از فضای مدرسه که همیشه تحت کنترل بودند، ناگهان وارد فضایی می‌شوند که می‌توان گفت استقلال کافی دارند و همین امر موجب می‌شود تا باور اینکه می‌توانند مستقل باشند و فعالیت‌های سیاسی انجام دهند، برایشان سخت و مبهم باشد، همانند شناگری هستند که از رودی کوچک، وارد دریایی بزرگ شده است.

خوشا به غیرت دبیران و اعضای تشکل‌های مختلف که مردانه پا به میدان گذاشتند و تنها به هدفشان فکر کردند.

در چنین موقعیتی آیا کسی به کار فرهنگی اصلاً فکر می‌کند؟؟ یا اصلاً حوصله آن را دارد

قطعاً که چنین شناوری برای شنا کردن در دریای بزرگ دست و دلش می‌لرزد. اگر متناسب با شخصیت و استعداد هر فرد وظیفه و مسئولیتی تعریف شود، قطعاً افراد به

اخلاق در تشکیلات

محمد حسین لطیفی
نویسنده و پژوهشگر



خودخواه، خودپسند و خودپرست بکار می‌رود، اشخاص خود محور دائماً خویش‌تن و احتیاجات خویش را در اولویت جای داده، حصراً به احتیاجات خود توجه کرده و قادر به تماشای نیازهای دیگران نمی‌باشند، اشخاص خود محور خویش‌تن را تحت عنوان مرکز مدار تعریف نموده و هر غیری را که فارق از حصر مذکور باشد آشنایی نمی‌دهند، ایشان خود را تافته ای جدا بافته از دیگران دانسته و خوش را نسبت به دیگران رفیع‌تر و برتر می‌دانند.

عاملی آسیب‌زا هم برای تشکیلات و هم برای خود فرد به‌شمار می‌آید، اگر در میان اشخاص تشکیلات ویروس خود محوری و خود بینی ریشه دواند، فضائل اخلاقی و خصیصه‌های تشکیلاتی رفته رفته از بین می‌رود، و فساد و تباهی ظهور می‌کند. خودمحوری در معنای خودمدار، خودبین،

مقوله اخلاق در تشکیلات ابعاد گوناگون و متعددی را شامل می‌شود، لکن بدون شک اهتمام بر جمع‌گرایی در تشکل‌های دانشجویی یکی از مهم‌ترین مصادیق آن است، که در بطن چالش‌ها به منصفه ظهور می‌رسد؛ خود بینی و قرار دادن خویش‌تن در محور تمامی امور رویه‌ای ناثواب و لغوی خود در معنای خودمدار، خودبین،

اگر در میان اشخاص تشکیلات ویروس خود محوری و خود بینی ریشه دواند، فضائل اخلاقی و خصیصه‌های تشکیلاتی رفته رفته از بین می‌رود، و فساد و تباهی ظهور می‌کند.

گاهی امکان دارد با اظهارات کذب و لابی بازی، اوضاع و افعال را مطابق میل خویش برنامه ریزی کنند، غالباً اشخاص مذکور قابلیت‌های خود را مرغوب‌تر از آنچه که می‌باشد برآورد کرده و خویش را از همه قابل‌تر و برتر می‌پندارند، قربانیان این خصیصه زشت و تهدید آفرین ابتدائاً تشکیلات به دلیل مانع‌سازی در مسیر تشکل و بکارگیری فرد ناشاسیت و در گام‌های بعد خود شخص مباشر تلقی می‌شود. خود محوری با اینکه همیشه متوجه افراد است، لکن گاهی اوقات بسته به شرایط به تشکیلات نیز رسوخ می‌کند، برای مثال چند مجموعه را که از منافع مشترکی برخوردار هستند تصور کنید، که در کنار یکدیگر به صورت اعتباری تشکیلاتی را جزئاً یا کلاً ایجاد کرده‌اند، در این فرض نیز ممکن است یک مجموعه در مسیر خود محوری قرار گرفته و به تشکیلات آسیب بزند، البته در همین فرض نیز عامل غیر مستقیم سیاست‌گذاری و طرز فکر افرادی را می‌توان موثر دانست که تشکیلات را اداره می‌کنند، زیرا تشکیلات چیزی جدای از افرادی که در آن فعالیت دارند، نیست، فلذا شایسته‌گی چنین الزام می‌کند که شخص خود محوری و تک خوری را علی‌الاصول در هیچ شرایط و مقطعی مطلوب نداند و همواره از آن پرهیز نماید.

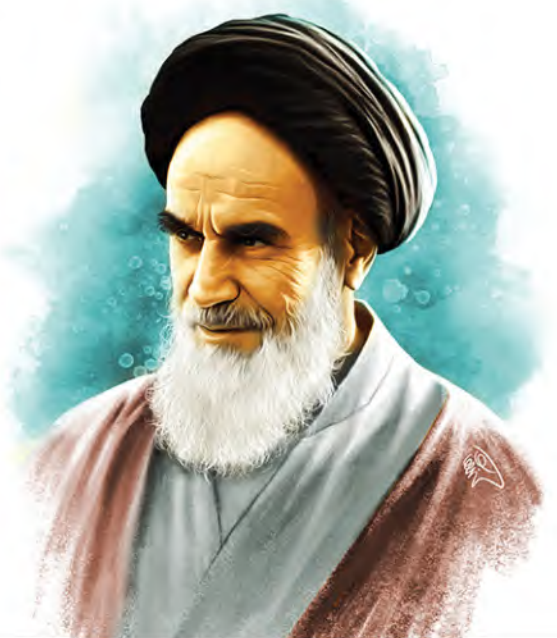
تشکیلات چیزی جدای از افرادی که در آن فعالیت دارند، نیست.

زمانی که گفته می‌شود که از خود محوری باید پرهیز شود، عده‌ای در پاسخ تأثیرات مثبت برتر جویی را ادعا می‌نمایند، بی‌تردید حس برتری جویی خصیصه پسندیده و صواب بشمار می‌آید، البته به شرط این‌که الزاماً در مسیر صحیح بکار گرفته شود، اما اگر این حس در مسیرهای ناصحیح قرار گرفته شود، هم به فرد صدمه می‌زند و هم به تشکیلات، اگر حس برتری جویی را افراد در رقابت‌های مثبت و درست تشکیلاتی به جهت بهتر انجام دادن وظایف تشکیلات و ارتقای خود و مجموعه بکار ببرند، علاوه بر این‌که فواید بسیاری عاید ایشان خواهد شد، فی‌نفسه مفسده‌ای نیز نباید در آن متصور باشد، کمال‌گرایی افراطی و شرکت در رقابت‌های غیر تخصصی و مهارتی از جمله مهم‌ترین آسیب‌هایی است، که همواره فرد شاخص تشکیلات را از رقابت‌های سالم به جهت ناکامی‌های گذشته باز می‌دارد. رهبری مسئله خود محوری و خود پسندی را یکی از سه عملی معرفی می‌کنند، که باعث قبول نشدن اعمال آدمی می‌شود: «بلیس به لشکریان خود این جور گفت که اگر من توانستم در سه چیز بر بنی‌آدم مسلط بشوم، دیگر غصه‌ی این را نمی‌خورم که حالا

او اعمال نیکی دارد به جا می‌آورد و ممکن است مراتب سعادت را طی کند؛ نه، خاطر ام آسوده است؛ چون هر کاری بکند از او قبول نخواهد شد؛ عمده این است که من این سه چیز را بتوانم تدارک کنم و در این سه‌کار بر بنی‌آدم مسلط بشوم؛ اگر [مسلط] شدم دیگر خیالم آسوده است، یکی از آن سه چیز عبارت است از (دَخَلَهُ الْعُجْب) یعنی [اینکه] خودشگفتی در او وارد بشود؛ این خودشگفتی طبعاً برای اعمال نیست، چون آن قبلاً گفته شد؛ برای خصوصیات خود او است؛ [یعنی] علم خودش، تقوای خودش، حلم خودش، صبر خودش به نظرش بزرگ بیاید. خودشگفتی یا عَجَب یعنی انسان در مقابل خودش که قرار می‌گیرد دچار اعجاب بشود و به شگفت بیاید که واقعاً «ما هم چه آدم خوب و برجستهای هستیم!» گاهی هم انسان گله‌مند می‌شود که چطور دیگران نمی‌فهمند این خوبی‌های ما را؟ چطور قدر نمی‌دانند؟ بله جناب ابلیس به دوستانش این جور می‌گوید که وقتی این خصوصیت در کسی وارد شد و من توانستم از این ناحیه، بر یک انسان سلطه و سیطره پیدا کنم، دیگر غصه‌ی این را که حالا عبادت کرد و روزه گرفت و نماز خواند نمی‌خورم؛ چون می‌بینم همه‌ی این‌ها باطل خواهد بود؛ یعنی قبول نخواهد بود.» (شرح حدیث در ابتدای جلسه درس خارج فقه ۱۳۸۲/۰۳/۰۴)

مضافاً بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی خود محوری و قدرت طلبی را منشا تمامی فسادهای عالم دانسته و می‌فرمایند:

قدرت طلبی در هر که باشد، این اسباب این می‌شود که زمین بخورد. قدرت طلبی از هر که باشد از شیطان است؛ می‌خواهد رئیس جمهور امریکا قدرت طلبی کند یا یک طلبه‌ای در مدرسه خواهد قدرت طلبی کند یا یک امام جمعه‌ای در مرکزی که دارد.



آگاهی مبانی اعتقادی

در حقیقت مبانی اعتقادی، پیچیدگی هایی را دارا است.

■ الهه آقائی

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

مشخص کنیم که اعتقادمان چیست، کنیم و با معرفت بیشتری بتوانیم اصول و مبانی آن را در زندگی‌مان جاری و ساری سازیم. ابتدا به چستی اعتقادمان نگاه کنیم، اینکه اسلام چیست و اصول و فروعش نیز چیست؟

واژه شیعه در لغت به معنای گروهی است که بر امری یک سخن شوند و ریشه آن پیروی کردن است.

اما پیروی از چه و چه چیز؟ باید به افراد متخصص در این حوزه مراجعه کرده و سوالاتمان را بپرسیم و با وجودمان درک کنیم که برای چه مسلمان هستیم؟ توحید و عدل و امامت و نبوت و ... چه معانی برای ما دارند و تا جوابشان را نیافتیم و وجودمان سیراب نشد دست برداریم. ضمناً باید بفهمیم که انسان‌ها در هر دین و اعتقادی هستند برای تک تک سایرین واجب است که محترم بدارد تا آن جا که ضرری بر هر یک از افراد وارد نگردد.

هر چیزی و هر کاری که می‌خواهیم در زندگی به کار بگیریم چشم و گوش بسته عمل نکنیم و فریب رسانه‌ها را نخوریم و چهارچشمی مواظب باشیم که چه چیزهایی را قبول می‌کنیم و حتی چه چیزهایی را رد می‌کنیم.

راهش کجاست و در درک این موضوع باید متوجه شویم که اعتقادات و مذاهب گوناگونی وجود دارند. اما وقتی ما می‌خواهیم به سبک و روش خاصی طوری که گویای ارزش‌ها و

مبانی اعتقادی ما باشد، باید به دلش برویم و آگاهی لازم را کسب کنیم و گرنه چشم بسته هر حرف و سخنی را قبول کنیم که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

اما همان‌طور که می‌دانیم برخی موارد هستند که به صورت نسبی جزئی از هویت ما هستند. به طور مثال اغلب شهروندان کشورمان به اسلام و تشیع اعتقاد دارند.

حالا رسیدیم به اصل مسئله، چگونه آگاهی کافی را در مورد شیعه اسلامی کسب

الف : وای وای. چه می‌گویی مردک؟! یعنی می‌خواهی بگویی اسلام و تشیع را قبول دارم اما به شیوه مذهب و اعتقاد دیگری داری حرکت می‌کنی! آخه این یعنی چه ... اصلاً نمی‌توانم بفهمم.

ب: می‌دانی در آن بیرون چه چیزها هست و نیست. داری این حرف‌ها را به من می‌گویی؟ برو به خیابان و ببین چه کسی به حرف‌هایت گوش می‌دهد.

بله دوستان ... اشتباه نکردید. این صحبت‌ها و گفتگوهای معمولی در خیابان‌ها و گوشه و کنار هستند که می‌بینیم و می‌شنویم. حتی سعی نمی‌کنیم قدری اندیشیده و نظرم‌ان را بیان کنیم. با پیش فرض این که ارزش حرف‌هایم چقدر ... سکوت کرده و کاری پیش نمی‌بریم.

در حقیقت مبانی اعتقادی گوناگون پیچیدگی‌هایی را داراست که متخصص و کارشناس خویش را می‌طلبد. اما با این سخن قرار است اجازه دهیم اعتقادمان و باورها و ارزش‌هایمان را باد ببرد.

روی سخنم با تک تک عزیزانی است که وقت گرانبهاتان را گذاشتید و این مطلب بنده را مطالعه می‌کنید.

ما در اولین چهره موظفیم برای خودمان و اینکه وجود داریم و هستیم و انسانی از این کره خاکی



آفات تشکیلات در روزهای اخیر

این روزها آفات ریز و درشت دامنه تشکیلات را فرا گرفته اند. واقعیت این است که تغییراتی باید در دست کار باشد که تشکیلات به قوت خود باقی بماند که این امر همت دانشجویان را می طلبد.

■ حانیه مرادی فر عضو کمیسیون معاونت نشریات اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

تشکیلات همواره در تمامی عناصر خود دارای فراز و فرودهایی بوده و این فراز و فرودها به وسیله شرایط و مسئولان وقت تا حدودی قابل تغییر و یا کنترل است. کرونا، برای تشکیلات می تواند نقطه آغاز فرودی مقطعی محسوب

اقتصادی و سیاسی وارد می شود، نشان از این دارد که آن افراد همواره در هر موقعیت با هر سمت، منفعت خود یا عده خاصی را در نظر گرفته و بر اساس آن تصمیمات ناشایستی اخذ نموده اند. در نتیجه وضعیت بدین شکل در آمده است.

۴- افراد

دین اسلام همواره بر مدار تعادل است. هر مسئله ای با راه حل و جزئیات را می توان در قرآن کریم و یا متون دینی یافت. اما گاهی افراد نه فقط در تشکیلات، بلکه در سایر موقعیتها از اسلام نیز فراتر رفته و بدین وسیله شاهد فتوهای عجیب هستیم.

تشکیلات باید خانه ای امن برای اقشار، به ویژه قشر خاکستری جامعه باشد. اما گاهی این بحران اتفاق می افتد که افرادی در بدنه تشکیلات، به وسیله افراط باعث دفع بدنه عام جامعه می شوند. در حالی که پذیرش افراد مختلف در شکل های ظاهری و باطنی متفاوت، و در عین حال آموزش به آنها می تواند یکی از نکات کلیدی در جذب نیرو برای تشکل محسوب شود.

قطعا و حتما موارد دیگری نیز وجود دارند که در این مقال نمی گنجد. امید است که تشکل های دانشجویی با هدف والایی که در نظر دارند پیش روند و در مقابل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سربلند باشند.

جای آنها را می گیرند. پس در زمینه تربیت نیرو تمهیداتی لازم است تا بدین وسیله نیروهای جدید از فضای مفید تشکیلات دانشجویی بهره ببرند.

۲- عدم اهتمام به مبانی

نیروها را در تشکیلات به صورت غیر رسمی می توان به دودسته نیروی فکری و اجرایی تقسیم کرد. بهانه غالب اما غلط در تشکیلات برای افرادی که با مبانی نا آشنا هستند اجرایی بودن آنهاست. در صورتی که همه اعضای یک تشکل، اعم از فکری و اجرایی می بایست به مبانی لازم اشراف داشته و از آن در تشکیلات استفاده کنند.

۳- من بودن!

گاهی لازم است معنی واژگانی و اصطلاحی تشکل را با خود مرور کرده و من را از لفظ خود جدا سازیم. رشد تشکیلات زمانی محقق می شود که افراد فارغ از شخص خود، اهداف و صلاح جمعی را در نظر بگیرند و منفعت شخصی کنار گذاشته شود.

انتقاداتی که نسبت به مسئولان در دستگاه های

۱- عدم تربیت نیرو

هر تشکل در وهله اول برای پیشبرد هدف خود، نیاز به نیروهایی توانمند در آن زمینه دارد. بنابراین اقدام به جذب و سپس تربیت نیرو در آن زمینه می کند. این اقدام به وسیله دوره ها، همایش ها، کلاس ها و سایر عناوین اتفاق می افتد.

متأسفانه در شرایط پس از کرونا شاهد ضعف در تربیت نیروی جدید بودیم. نیروهای تربیت شده در طول زمان از دایره تشکیلات دانشجویی خارج می شوند و نیروهای جدید



مخاطب‌شناسی و مدیریت کار تشکیلاتی

عمادالدین صفائی

دبیر واحد مطالعات راهبردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

گفتگو را در راستای شناسایی ضرورت‌های اعضا داشته باشد و این گفتگو در بستر ارتباط مستمر عینیت پیدا خواهد کرد. در مدیریت کار تشکیلاتی باید فرصت برابر اشتباه کردن برای همه اعضا وجود داشته باشد و نباید ضعف‌ها و کاستی‌ها موجب ناامیدی و کاهش عزت نفس اعضا شود چرا که ما در تشکیلات در صد پی‌ریزی هدف عالی حیات معقول برای عضو هستیم و این مهم نسبت به هر مسئله دیگری در اولویت است. در مدیریت کار تشکیلاتی توان بسیج نیروها و سازماندهی آن‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد و رهبر مجموعه باید نقش محوری خود را ایفا نماید. تقویت همدلی بین اعضا، مقابله با ردیلت‌های اخلاقی که ممکن است در برخی فرایندها اتفاق بیفتند، مدیریت اختلاف نظرها و... از جمله مواردی هستند که اساس مدیریت کار تشکیلاتی می‌باشند. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که انتظار می‌رود مدیریت تشکیلات، نسبت به رعایت اخلاق تشکیلاتی و باورهای اعتقادی و جهان‌بینی معنوی اعضا همواره دغدغه‌مند باشد.

گسترده شدن حلقه تربیتی تشکیلات است. برای مثال و بر مبنای تجربه تشکیلاتی نگارنده، قالب فعالیت‌های تشکیلاتی دانشجویان در دانشگاه‌ها در دهه‌های هفتاد و هشتاد که به اعتقاد بسیاری از دانشگاهیان دوران اوج جنبش دانشجویی بوده است دیگر مطلوب نسل کنونی دانشجویان نیست و ما نیازمند پیوسته‌های ابتکاری و خلاقانه در برنامه‌ریزی‌هایمان هستیم که شاید این رویه ما را با چالش‌هایی نیز مواجه کند. پیشتر در تشکیلات اهمیت بسته تفریحی و توجه به نظام تشویقی اعضا ضرورت نداشت اما امروزه این مهم عامل جدانشدنی جذب و تربیت عضو می‌باشد. تردیدی وجود ندارد که عناصر و عوامل متعددی در مدیریت تشکیلات اثر گذارند که کلید واژه مخاطب‌شناسی یکی از مهم‌ترین آن‌ها است.

برآیند درک نیازهای مخاطب، اصول لایتغیر و حد انعطاف مجموعه تشکیلات، ما را به این نکته می‌رساند که مدیریت کار تشکیلاتی نیازمند برقراری ارتباط معنایی مفاهیم بنیادین مورد بحث، برای بهرمندی از ابزارهای سلاتق مخاطبان در جهت بهبود کارآمدی برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. مدیریت تشکیلات، به عنوان نقطه اتکای مجموعه باید همواره بیشترین

پیش از ورود به بحث، ما باید تاملی در تعریف تشکیلات از دیدگاه شهید بهشتی داشته باشیم. تشکیلات عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که بر اساس آرمان، ایمان و نقطه نظرهای مشترک گرد هم می‌آیند تا جماعت شوند که بتوانند زمینه را برای رشد اخلاق کار دسته جمعی و برای رشد استعدادها و شناخت کادرها و تربیت آن‌ها و تهیه برنامه‌ها و قبول مسئولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند. با دقت در این

تشکیلات عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که بر اساس آرمان، ایمان و نقطه نظرهای مشترک گرد هم می‌آیند تا جماعت شوند که بتوانند زمینه را برای رشد اخلاق کار دسته جمعی و برای رشد استعدادها و شناخت کادرها و تربیت آن‌ها و تهیه برنامه‌ها و قبول مسئولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند.

تعریف در می‌یابیم که وجه تمایز کار تشکیلاتی با کارهای دسته جمعی و تیمی در این است که ما معتقدیم تشکیلات ما بر اساس یک نظام ارزشی و یا به عبارت بهتر یک مسیر تعالی دهنده مبنایی استوار شده است در حالی که ممکن است مجموعه‌هایی باشند که فعالیت‌هایی با محور کار تیمی انجام دهند لکن از نظام ارزشی خاصی پیروی نکنند.

در نتیجه ما برای مخاطب‌شناسی کار تشکیلاتی باید همواره در نظر داشته باشیم که تشکیلات یک حرکت انتخابی در جهت خودسازی فردی و اجتماعی است و لذا قدم اول برنامه‌ریزی هسته مرکزی تشکیلات باید معطوف به این مسئله باشد که در نهایت رشد و شکوفایی اعضا قرار است در چه بعد و در چه جایگاهی قرار بگیرد. تردیدی وجود ندارد که در برنامه ریزی ما در تشکیلات، نظام ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی ثابت است اما باید به این نکته توجه شود که اقتضائات زمانی ممکن است ویژگی‌های ساختار درونی و برخی رویکردهای بیرونی را دست‌خوش تغییر نماید و این انعطاف مجموعه تشکیلات صرفاً با هدف جذب حداکثری نباید اتفاق بیافتد بلکه راهبردی در جهت ارتقا کارآمدسازی و



چگونه سطحی نباشیم؟

سطحی یا عمیق؟

فاطمه پاشائی خجسته

عضو هیئت نویسندگان نشریه هم‌شاگردی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

که بار اصلی هر فعلی بر دوش محتوا است. محتوا، ریشه است، عمق است، زیر بناست.

اما برسیم بر سر معنی اشتباهی که آن قدر تکرار مکررات شده است که جان فعالیت یک تشکل را گاه گرفته است، گزارش در معنای سطحی آن که از اساس معنایش غلط است. ما در تشکیلات چنین گزارشی نداریم. مگر بازجویی است؟ اینجا تشکیلات است،

مقدس است، در حیطه اختیارات آدمی است، لذا بزنید و از بنیان قطع کنید این مفهوم رایج در تشکل‌ها را که فلان گزارش

و بهمان گزارش را چه کنیم دیگر؟ مگر جز آن است که

«لیس للانسان

الا ان سعی»

؟ پس چرا

تلاش بیهوده

کنیم از برای

ثابت نمودن

خودمان؟

ما آمده‌ایم

که اثر بگذاریم،

عمیق باشیم، در

سطوح گیر نکنیم،

بنیادین باشیم، ریشه

باشیم، ریشه باشیم و

ریشه باشیم!

گزارش کاری که فعلی گاه سطحی است و در لایه‌های بالایی یک تشکل جای می‌گیرد، نباید به عنوان اخص و اهم فعالیت‌ها باشد. آنچه که مهم و بایدی است، محتوای یک فعل است. اصلا هدف این است که چه موضوعی را تحت چه قالبی به مخاطب ارائه کنیم که بیشترین تاثیر را بگذارد و جالب است که در این رابطه‌ی حساس بین محتوا و قالب، اهمیت محتوا دو چندان است، چرا

گزارش دادن از ملزومات است. حضورش بایدی و عدم حضورش نقص است. یک تشکیلات باید بتواند رسانای فعالیت‌های خود باشد، فحوای کار را بگیرد و به صورت خلاصه تقدیم به مخاطبش کند. فی‌الواقع گزارش کاری، جان یک تشکل را می‌رساند. به میزانی که یک تشکل جانی برای عرض اندام داشته باشد، رسانه‌ی آن نیز فضا جهت خودنمایی دارد.

اما علیرغم وجود تمام این موارد، صرف ماندن در یک فعل مانند



کار تاثیر گذار

کار فرهنگی کردن یعنی نجات دادن دیگران، کمک به انسان‌ها

فاطمه اسفندانی

دبیر واحد خواهران دفتر جامعه اسلامی دانشگاه آزاد تهران جنوب

مانند: اهدای یک شیرینی کوچک به همراه یک نوشته‌ی کوتاه امام زمانی! در آخر انجام همه‌ی این فعالیت‌ها ممکن و برعهده‌ی مسئولین واحد یا تشکل مربوطه بوده و مسئله‌ای سلیقه‌ای و متناسب با فضا و اختیارات و بودجه‌ی دانشگاهی مورد نظر می‌باشد. به شرطی که نیت‌ها در راه خدا و برای خشنودی او و فعالیت‌ها نیز مفید و تاثیر گذار برای قشر دانشجو باشد.

اردوهای سیاحتی و... (۲) کار کیفی: فعالیت‌های فرهنگی که روی بُعد روحی تاثیر گذاشته و بیشتر برای قشر دانشجویان درونگرا و دانشجویانی که اهل مطالعه در زمینه‌هایی غیر از درس نیز هستند، انجام می‌شود. عموماً همه‌گیر نیست و مخاطبان خاص خودش را می‌طلبد و از طرفی برای دانشجویان پویا و اهل کار اجرایی، انجام پذیر نیست.

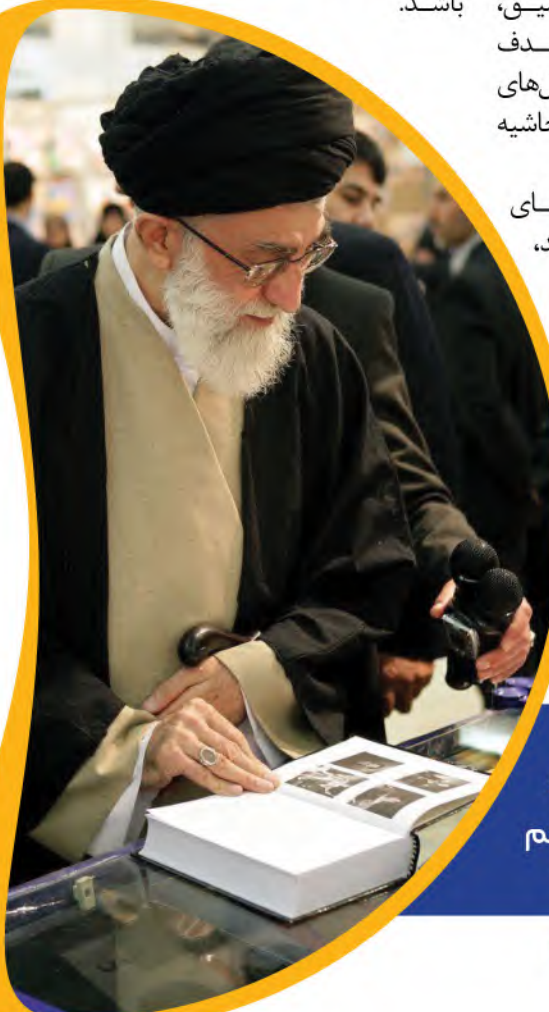
اما از طرف دیگر در ساخت ذهنی فعال و با تحلیل‌های درست و عمیق، کمک شایانی به جهت‌دهی هدف دانشجویان از تحصیل، گذران سال‌های دانشجویی، جلوگیری از رفتن به حاشیه و اتلاف وقت دانشجویان می‌کند. فعالیت‌هایی نظیر: گروه‌های کتاب‌خوانی، اکران مستند، حلقه‌های مطالعاتی و...

(۳) کار تلفیقی: این نوع از فعالیت مقداری سخت و پیچیده است و نیازمند خلاقیت هرچه بیشتر دانشجویان عزیز می‌باشد که هم می‌توانند مدیریت هزینه‌ها را داشته باشند و هزینه‌های کمتری را متقبل شوند و هم میزان تنوع در ایده‌ی کارها خیلی بالاست.

همانطور که انسان‌ها (که دانشجویان هم عضوی از آن‌ها هستند) دارای دو بُعد جسمی و روحی هستند و ما به عنوان یک دانشجوی فرهنگی می‌خواهیم این کار را شروع کنیم و ادامه دهیم، باید بدانیم که لازم است روی این دو بُعد، هدف گذاری، برنامه ریزی و کار کنیم. قرار بر این است که توضیحاتی راجع به کار کمی و کار کیفی بدهم اما براساس تجربه‌های شخصی که داشتم، به موضوع اصلی، شاخه‌ی دیگری اضافه می‌کنم که اسم آن کار تلفیقی است. ترکیبی از کار کمی و کیفی باهم!

(۱) کار کمی: کاری فرهنگی که صرفاً روی بعد جسمانی دانشجو و جامعه‌ی هدف آن تمرکز و فعالیت دارد و به عبارتی جزء کارهای مناسب محوری و تشریفاتی محسوب می‌شود. این کار روی سمع و بصر دانشجو و محیط دانشگاه اثر مثبت فراوانی دارد و در زمینه‌های شکست خفقان‌های بعد از ناهنجاری‌های مختلف (اغتشاشات، تظاهرات، شلوغی‌ها و...) بسیار کاربردی است. اما از معایب آن این است که اثر عمیقی از مفهوم کار فرهنگی، بر ذهن و مغز جامعه‌ی هدف نمی‌گذارد. مانند: برگزاری ایستگاه صلواتی،

ما فقط دلمان به این خوش نباشد که حالا کتابی را تولید کرده ایم؛ البته بلاشک تولید کتاب یا تولید فیلم و تولید هنری مهم است؛ منتها در کنار این، پیدا کردن مخاطب یا به یک معنا تولید مخاطب هم مهم است. سعی کنید کتاب را به ذهن مخاطب برسانید.



دود از کنده بر می خیزد...

سخن بزرگان شنیدن، ادب است

نازیلا کاظمی

مسئول واحد نشریات دفتر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

+ لطفا خودتون رو به صورت کامل معرفی کنید. (نام، سن، مقدار سابقه تشکیلاتی و سال حضورتون در تشکل و ذکر فعالیتها و مسئولیتها، رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل، سال ورود به دانشگاه و مدت حضور)

- بنده دکتر جعفر ابوالقاسمی هستم؛ ۵۲ ساله حدود ۱۵ سال سابقه همکاری با تشکل جامعه اسلامی دانشجویان و کانون بصیرت افتخار همکاری داشتم از مسئولیت‌های بنده در دانشگاه مدیر کل امور دانشجویی دانشگاه، مدیر آموزش دانشکده پزشکی، معاون مجمع خیرین رئیس بیمارستان فاطمه زهرا شهرستان مهر و رییس هلال احمر شعبه شیراز. رشته پزشکی رو در سال ۷۰ شروع و در سال ۷۸ از دانشگاه جهرم به اتمام رساندم و در سال ۹۹ در رشته دکترای طب سنتی ایرانی از دانشگاه شیراز فارغ‌التحصیل شدم.

+ تعریف شما از جنبش دانشجویی و تشکل دانشجویی چیست؟ آیا می‌توان بین این دو تفاوت قائل شد؟

- جنبش دانشجویی به عنوان یک فعالیت نشأت گرفته از حضور دانشجویان در زمینه‌های مختلف نام‌گذاری می‌شود مثل کمک‌های مردمی مثل فعالیت‌های سیاسی و سایر فعالیت‌هایی که دانشجویان انجام می‌دهند ولی تشکل دانشجویی یک مجموعه‌ای هست که این فعالیت دانشجویان را سازماندهی می‌کند و هدف‌گذاری می‌کند و سر و سامان می‌دهد پس اهمیت تشکل دانشجویی از اینجا مشخص می‌شود.

+ بهترین عملکردی کسه توی فعالیت‌های تشکیلاتی تون داشتید یا در زمان شما در تشکل اتفاق افتاده رو بگید.

- از کارهایی که میشه نام ببریم در زمانی که من در خدمت دوستان بودم تشکیل جلسات منظم در شورای مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان علوم پزشکی شیراز همچنین ارتباط مستمر با جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز و همچنین راه اندازی واحد خواهران و تقویت بخش واحد خواهران برگزاری سلسله نشست‌های آگاهسازی دانشجویان در مورد مسائل سیاسی و تقدیر از ایثارگران و آزادگان و جانبازان دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی شیراز برگزاری نمایشگاه کتاب و لوازم پزشکی برای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز و سایر خدماتی که می‌تونستیم برای ارتباط هرچه بیشتر با دانشجویان داشته باشیم برگزار می‌کردیم.

+ از نظر شما فایده عضویت در تشکل برای بهبود توسعه فردی و اجتماعی چه چیزهایی می‌تواند باشد؟!

- به نظر من وقتی یه دانشجوی با یه تشکل ارتباط می‌گیره و با اهداف اون تشکل آشنا می‌شه و قصد می‌کنه که با این تشکل همکاری بکنه آینده اجتماعی و سیاسی خودش رو مشخص کرده چون زمان دانشجویی انسان از نظر سنی در مرحله جوانی هست و ممکنه که نظراتش با هر اتفاقی تغییر بکنه ولی وقتی میاد تو تشکل و اطلاعات بیشتری می‌گیره با گروه‌های مختلف آشنا می‌شود می‌تواند تصمیمات بهتری بگیره از این نظر هست

که فایده حضور فرد در تشکل می‌تونه کمک به رشد شخصیتی باشه برای اون فرد و اینکه دید بازتری نسبت به جامعه خودش داشته باشه و بتونه توی اتفاقاتی که تو جامعه و کشورش می‌افته بهترین تصمیم بگیره.

+ آیا ورود تشکل‌های دانشجویی به ساختار قدرت تیغ نقد آن‌ها را کند نمی‌کند؟

- در مورد اینکه تشکل‌های دانشجویی و افرادی که تو این تشکل‌ها آموزش دیدند و بزرگ شدن آیا اینا باید وارد ساختار دولتی بشن یا نشن و آیا می‌تونه باعث بشه که اون روحیه انتقادیشون از بین بره بله متأسفانه تو بعضی از مواقع ما می‌بینیم بعضی از افراد باعث میشه که اون مشکلات رو کمتر ببینند ولی از اون طرف می‌تونیم بگیم که تشکل می‌تونه یک فرد رو آموزش بده از بابت مدیریت اجتماعی مدیریت اجرایی و سایر فعالیت‌هایی که یک فرد باید باهاش آشنا باشه تا بتونه راهبری جامعه خودش رو انجام بده.

+ برخی‌ها معتقدند که عملکرد کسانی که از بدنه جنبش دانشجویی وارد ساختار قدرت شده‌اند در مجموع عملکرد راضی‌کننده‌ای نیست نظر شما در این رابطه چیست؟

- در مورد اینکه بعضیا معتقدند که عملکرد کسانی که از بدنه جنبش دانشجویی وارد ساختار قدرت شده‌اند راضی‌کننده نیست این یک تیغ دو لبه است چون افراد تو دوره جوانی که دانشجوی هستنند بالاخره باید از یک جایی مدیریت اجرایی مدیریت انسانی را آموزش ببینند بهترین جایی که می‌تونه این اتفاق در دوران جوانی برای فرد بیفته

همون تشکلا هستند و ما ناچار هستیم که از بین افرادی که در تشکل‌های مختلف آموزش دیدند و اشکالات اون‌ها برطرف شده به عنوان مدیران اجرایی دستگاه‌های دولتی در نظر گرفته بشود.

+ به نظر شما ماموریت اصلی تشکل‌های دانشجویی چیست؟ و آینده فعالیت تشکلاتی کشور کجاست؟

- به نظر من از ماموریت‌های اصلی تشکل‌های دانشجویی اینه که بتونه بر اساس نیازهای جامعه و نظام جمهوری اسلامی در بدنه دانشجویی آگاهی بخشی انجام بدهد و نیروهایی را سازماندهی بکنه و آموزش بده که به عنوان مدیران متعهد آینده مورد استفاده قرار بگیرند.

+ به نظر شما برای افزایش معنویت اعضای اصلی تشکل و حفظ روحیه معنوی اون‌ها تشکل چه برنامه‌هایی میتونه داشته باشه؟!

- در مورد برنامه‌های معنوی پیشنهادم این در جلسات حتماً قرآن خونده بشه حتماً از نهج البلاغه استفاده بشه حتماً شورای مرکزی و اعضای تشکل توی برنامه‌های معنوی نماز جماعت دعاهای مختلف زیارت قبور شهدا و موارد اینجوری حتماً حضور داشته باشند.

+ در زمان فعالیت شما در تشکل، واحد خواهران فعال بود؟ محوریت فعالیت‌ها چه بود؟ به نظر شما در حال حاضر نیاز واحد خواهران‌ها چیست و باید حول چه محور‌هایی فعالیت کنند؟

- در زمانی که ما فعالیت داشتیم واحد خواهران بودند فعالیت می‌کردند به نظرم می‌رسه با توجه به شرایط موجود و بحث شعارهایی که میدن در مورد زن زندگی آزادی فعالیت واحد خواهران در سطح دانشکده و دانشگاه باید خیلی فعالیت گسترده‌ای باشه ارتباط با خوابگاه‌های دانشجویی دختران بحث تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی و همچنین دانشجویانی که خوابگاهی نیستند اردوهای تفریحی برای دانشجویان به صورت جداگانه برقرار بشه و این ارتباط تشکل با دانشجو بیش از پیش باید حفظ بشه.

+ با توجه به اینکه در تشکل‌های گوهایی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی را

داشته ایم که باید از آن‌ها درس بگیریم. به نظر شما الان مشکل تشکل‌های دانشجویی این است که سراغ افرادی مانند شخصیت‌هایی که نام بردم و حرفی برای گفتن ندارند نمی‌روند و یا اینکه الان اصلاً چنین آدم‌هایی را نداریم؟

- در مورد استفاده از نظرات ارزشمند شهیدان مطهری و شهید بهشتی به نظرم می‌رسه که باید مطالب رو به روز انجام بدیم یا در مسابقه‌هایی که برای دانشجویان خوابگاهی یا در اردوهای دانشجویی مطالب این شهیدان بزرگوار رو در قالب مسابقه‌های خیلی کوچیک برگزار بکنیم تا دانشجو مجبور بشه با نظریات این بزرگواران آشنا بشه خوشبختانه همین الان هم افراد بزرگواری داریم که می‌تونن به عنوان سخنران در صحن دانشگاه دعوت بشن و باعث آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان با مفاهیم اسلامی بشوند.

+ برخی از فعالان دانشجویی معتقدند که تشکل‌ها در زمینه کادرسازی و انتقال تجربیات از گذشته به حال دچار مشکل هستند یعنی یک سیستم و نظام تربیتی صحیح در تشکل‌های دانشجویی وجود نداشته است که از افراد با پتانسیل‌های مختلف استفاده شود نظر شما در این رابطه چیست؟

- در مورد کادرسازی درست می‌فرمایید و متأسفانه سیستمی وجود نداشته در تشکل که یک دانشجویی که علاقمند یک تفکری هست از نظر اعتقادی و سیاسی پیگیری بشه و در آینده ببینیم بعد از فارغ التحصیلی ببینیم چه کار داره می‌کنه و از پتانسیل اون استفاده بکنیم که پیشنهاد میدم حتماً این باکس اطلاعاتی رو تشکیل بدید و از پتانسیل‌های مختلفی که در سطح دانشگاه خودمون وجود داره استفاده بشه.

+ برخی‌ها معتقدند جریان دانشجویی در این دوره ضعیف شده است آیا نقاط مثبت امیدوارکننده‌ای در این جریان می‌بینید؟

- متأسفانه جریان دانشجویی الان نسبت به ۱۵ سال گذشته ضعیف‌تر شده ولی می‌تونه باز هم برگرده و اطلاع رسانی بکنه و آگاهی بخشی بکنه چون جهاد تبیین یکی از نکاتی هست که مقام معظم رهبری خیلی روش تاکید داره و مردم و دانشجویان و خانواده دانشجویان الان نیازمند تبیین هستند و

ماهوره‌ها در همه خونه‌ها متأسفانه وجود داره و اون فرهنگی رو که مدنظر غربی‌ها هست در جامعه ما داره رسوب می‌کنه و نفوذ می‌کنه و بحث جهاد تبیین یکی از مهم‌ترین مسائلی هست که میتونه جزو وظایف تشکل‌ها در نظر گرفته بشه.

+ به نظر شما حد و مرز ارتباط جریان دانشجویی با قدرت تا کجاست؟

- در مورد حد و مرز ارتباط جریان دانشجویی با قدرت به نظرم اگر ما به دانشجویان آموزش آزاد اندیشی بدیم آموزش بدیم که بهترین حالت رو که به صلاح مملکت‌مون و نظام‌مون هست تشخیص بده و خودش استدلال بکنه میتونه اگر مسئولی هر چند ظاهرالصلاح در راس یک اداره یا استان وجود داره با استدلال‌های متقن مورد نقد قرار بده و پیشنهادات بسیار خوبی در راستای بهبود عملکرد اون اداره یا ارگان بهشون ارائه بده.

+ تشکل‌های دانشجویی همواره در جایگاه منتقد دولت ادعای اداره بهتر کشور با ایده‌های بهتر را داشته اند با این وجود وقتی که این تشکل‌ها نمی‌توانند ساختار خود را تغییر دهند و خود را به روز کنند چگونه می‌توانند ادعای اداره کشور بهتر از دولت را داشته باشند؟

- تشکل دانشجویی به عنوان یک نمونه کوچک از جامعه پیش روی ما باید بتواند مشکلات پیش رو را بررسی و آنالیز نماید و بهترین تصمیم را در مورد نحوه برخورد با مشکلات ارائه دهد و اگر فقط در حد ادعا باشد مطمئناً به جایی نخواهد رسید.

در آخر ضمن تشکر از شما دانشجویان محترم جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز از بابت اینکه از افرادی که سال‌های پیش در کسوت شما به عنوان دانشجو در تشکل جامعه اسلامی فعالیت کردند یادی نمودید تشکر ویژه دارم و از شما دانشجویان که با انرژی زیاد مشغول تحصیل هستید خواهشمندم که ارتباط با بدنه دانشجو و دریافت مشکلات دانشجویی در زمینه‌های خصوصاً تحصیلی معیشتی فرهنگی ورزشی خوابگاهی و سایر زمینه‌ها را بررسی و تا حد امکان سعی در رفع مشکلات دانشجویی نمایید که انشالله خیر دنیا و آخرت نصیب شما شود امیدوارم که سالم و پیروز باشید.

امید یک کشور

دانشجویی مورد امید یک کشور است، دانشجو است که میتواند در مقابل مشکلات بایستد؛ دانشجو، هم جوان است، هم عالم است؛ او است که فردای کشور را باید اداره بکند، او است که باید آگاه باشد تا سنگر ایستادگی را در مقابل زیاده خواهان و فرصت طلبان و دیگران تقویت بکند، این باید محکم باشد.

عبدالله
۹۵/۴/۱۲